

جان زندانیان سیاسی در خطر است

فرزندان دربند خلق ما بزند، فقها که برای دوره آتی، گسترش مبارزات مردم علیه رژیم به گل نشسته خود را پیش بینی می کنند، زندانیان

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگان کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا

رژیم خمینی

به کشتار زندانیان سیاسی، شدت بخشیده است

در صفحه ۹

سیاسی را کشتار می کنند تا به خیال خود از به تزلزل افتادن حکومت خود جلوگیری کنند. بقیه در صفحه ۸

بدنبال اعدام هفت زندانی سیاسی اوین در آخرین روزهای تیرماه، ملاقات زندانیان با خانواده هایشان تا دو ماه دیگر قطع شده است. از سرنوشت ۵۵ زندانی که حکم اعدام آنها به تایید آخوندهای قم، بالاترین مرجع قضایی رژیم، رسیده است، اطلاعی در دست نیست. در هفته گذشته دژ خمیان خمینی در کرمانشاه در دو نوبت، هشت زندانی سیاسی را تحت عنوان هواداران مجاهدین در ملاعام به دار آویختند.

رژیم خمینی پس از تسلیم به قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، می کوشد در حالی که توجه جهانیان به تلاشهای بین المللی صلح معطوف شده است، دست به جنایات هر چه بیشتری علیه

تلاش برای برقراری آتش بس، چشم انداز روشن تری یافت

پذیرفت. اکنون به نظر می رسد که پرزد و کوئیار به یک راه حل میانی دست یافته که دو طرف درگیر با آن موافقت کرده اند: شروع مذاکره همزمان با اعلام آتش بس.

بر جمهوری اسلامی که تا یک ماه پیش خواهان سرنگون شدن حکومت صدام حسین بود، مذاکره مستقیم با این حکومت بسی گران می آید و به منزله نوهی خفت و خواری بیشتر است. مذاکره مستقیم در واقع به بقیه در صفحه ۲

در هفته گذشته بحث در زمینه تقدم یا عدم تقدم مذاکره مستقیم بر آتش بس چنان بالا گرفت که بر امیدواری های پدید آمده در دو هفته پیش از آن، تا حدودی سایه افکند. هراق موكدا خواستار تقدم مذاکره مستقیم بر برقراری آتش بس بود. جمهوری اسلامی در عوض صرفا بر اعلام هر چه سریعتر آتش بس تاکید می کرد. رژیم خمینی در آغاز با مذاکره مستقیم مخالف بود. این موضع به تدریج تغییر کرد و رژیم نفس مذاکره را

در روز جمعه ۱۴ مرداد نتیجه تلاشهای دبیرکل سازمان ملل متحد، برای برقراری آتش بس در جنگ ایران و عراق، از حالت ابهام چند روز پیش از آن خارج شد و امکان پایان دادن به جنگ چشم انداز روشن تر و ملموس تری یافت. خاویز پرزد و کوئیار اعلام کرد دو طرف درگیر با مذاکره مستقیم و نحوه اتخاذ آن موافقت کرده اند. طبق طرح مورد توافق مذاکره مستقیم همزمان با اعلام آتش بس، آغاز خواهد شد.

جنگ از زبان آمار

۵۰۰۰ میلیارد تومان از درآمد و منابع کشور را بلعیده است.

۵۰۰۰۰ میلیارد تومان می شد:

۵۰۰۰۰۰ مدرسه برای ۲۰۰ میلیون دانش آموز ساخت. ۷۰۰۰۰۰ بیمارستان مجهز، یعنی برای هر ۷۰۰ نفر مردم ایران یک بیمارستان، بنا کرد.

برای همه مردم کشور خانه های نیم میلیون تومانی احداث نمود.

نزدیک به ۲۵ سال درآمد نفت لازم است تا ویرانی های ناشی از جنگ جبران شود و کشور ما بار دیگر به سطح سال ۵۹ برسد.

هیچ کس در جهان اما قادر نیست فهم واندوه آن پدران و مادرانی را که صبح دختر کوچکشان را با هزاران آرزو به مدرسه فرستاد و ظهر قطعات پاره پاره او را از میان ویرانه ها جمع کردند، التیام بخشد. از این پدرها و مادرها فراوانند. قریب به یک میلیون!

خمینی باید به این پدران و مادران و به همه مردم ایران پاسخ دهد برای چه هفت سال میهن ما را در آتش جنگ سوزاند؟ □

یگرفته از کارها شماره ۵۴

هشت سال جنگ برای مردم ایران به چه قیمتی تمام شد؟ آیا می توان بر آن همه درد و رنج و خون و ویرانی قیمتی زد؟ آیا می توان برای جان صدها هزار انسانی که در آتش این جنگ باید سوختند بهایی تعیین کرد؟ تلفات و ضایعات، رنج و درد و انبوه فشارهای مردم ایران را با هیچ آماری نمی توان نشان داد. نگاهی به آمار تلفات و ضایعات تنها می تواند گوشه ای از آن چه را که خمینی جنایتکار با مردم و میهن ما کرد، آشکار سازد.

ظرف هشت سال جنگ:

حدود ۱۰۰۰۰۰۰ نفر از مردم ایران قربانی اهداف شوم و کثیف دیکتاتور جماران و صدام جنایتکار شدند.

بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ تن از هم میهنانمان خانه و کاشانه خود را از دست دادند و از شهر و روستای خود آواره شدند.

تنها تا شهر یور ۶۴، ۵۱ شهر، ۳۰۹۱ روستا و ۱۱۸۰۰۰ واحد مسکونی و اقتصادی ویران شدند.

هزینه مستقیم جنگ سالانه برابر با ۱۲۰ میلیارد تومان بوده است. هشت سال جنگ حدود

اکثریت

تربیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۶۷ برابر ۸ اوت ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۱۹

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مردم ایران و عراق خواهان برقراری فوری

و بدون قید و شرط آتش بس هستند

* مردم میهنان تهاجم جنایتکارانه صدام به داخل مرزهای غربی کشور ما را با نفرت و از جا می نگرند.

* رژیم خمینی برای توجیه جنایات جنگی خود و مهار خشم و نفرت مردم، از شرارت های جنگی صدام بهره می گیرد.

هم میهنان!

بر اثر تهاجمات جنایتکارانه رژیم صدام در داخل مرزهای غربی کشور ما و اقدام رژیم جنایتکار خمینی به بسیج و گسیل نیروهای تازه نفس به میدان های جنگ، شمار دیگری از مردم دو کشور همسایه ایران و عراق به خاک و خون در فلطیده اند. تهاجمات جنایتکارانه صدام که در جستجوی امتیاز و برتری در مذاکرات و نیز تحکیم موقعیت خود در عراق و جهان عرب است، پیروزی بزرگ شما در وادار ساختن خمینی جنگ طلب به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را در معرض خطر قرار می دهد. اکنون خمینی و دیگر سران رژیم نیز برای تبرئه خود و پنهان کردن نتایج فاجعه بار تاخیر یک ساله در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت می کوشند از این شرارت ها به سود خود بهره بگیرند. آنها در تهاجمات شریرانه صدام بهانه هایی را جستجو می کنند تا با توسل بدان شمار تازه ای از همزبان شما بقیه در صفحه ۳

در این شماره

● مشروطیت و شیخ فضل الله

در صفحه ۱۱

● وحدت در تنوع

در صفحه ۱۲

● اردن: کرانه غربی اشغالی

متعلق به فلسطین است

در صفحه ۱۶

تلاش برای برقراری آتش بس

چشم انداز روشن تری یافت

بقیه از صفحه اول

معنی تداوم حالت تشنج و وجود حالتی از وضعیت جنگی است. در هفته گذشته فشار عراق برای انجام مذاکره مستقیم تا آن حد بر مسئولان رژیم خمینی گران آمد که خامنه‌ای گفت اگر بغداد شرط برقراری آتش بس را مذاکره مستقیم بداند، جمهوری اسلامی هم به سراغ شرط قدیمی خود یعنی "تنبیه متجاوز" خواهد رفت! این گفته تهدیدی تو خالی بیش نبود و بیشتر مصرف داخلی داشت تا خارجی. در سازمان ملل نمایندگان رژیم می‌کوشیدند حداکثر انعطاف را نشان دهند و این چنین سخن نمی‌گفتند.

در هفته گذشته تلاشهای دیپلماتیک عراق برای این که نظر خود را مبنی بر تقدم مذاکره مستقیم بر اعلام برقراری آتش بس به کرسی بنشاند، نتیجه چندانی نبخشید. اتحادیه عرب نیز کوشید این موضع عراق را تعدیل کند. همه تلاشهای بین‌المللی در این زمینه معطوف به آن بود که عراق تا آنجا بر روی موضع خود پافشاری نکند که نفس آتش بس به زیر سؤال رود و یا امکان پایان دادن به درگیری‌های جنگی در روزهای آتی منتفی شود. در بحث بر سر مذاکره مستقیم آنچه که اساس برخورد دولت بغداد بود، سخن گفتن از موضع قدرت بود. رژیم عراق در این راستا نیز ابایی نداشت که به تحریکات جنگی متوسل شود تا دوباره بتواند قدرت نمایی کند.

هم اکراه رژیم خمینی از مذاکره مستقیم و هم بهانه‌جویی‌های بغداد حاکی از آن است که هنوز نیز دور رژیم جنگ افروز حاضر نیستند به انجام اقداماتی تمکین کنند که لازمه دستیابی به صلح است. فزای موجود در مذاکرات آتش بس که بی‌گمان در مذاکرات صلح نیز ادامه پیدا خواهد کرد، نتیجه منطقی جنگ ارتجاعی به بن بست رسیده و نحوه متوقف

شدن سیر تداوم آن است. جنگ به بن بست رسید، ماشین جنگی به گل نشست، بی‌آنکه جنگ طلبان شرافتمندانه خواهان صلح باشند. اکنون نیز از هیچ یک از دو طرف نباید انتظار یک برخورد شرافتمندانه را داشت. جنگ ادامه سیاست است با وسایل دیگر و سیاست امروز تا مدت‌ها ادامه جنگ خواهد بود با وسایلی دیگر.

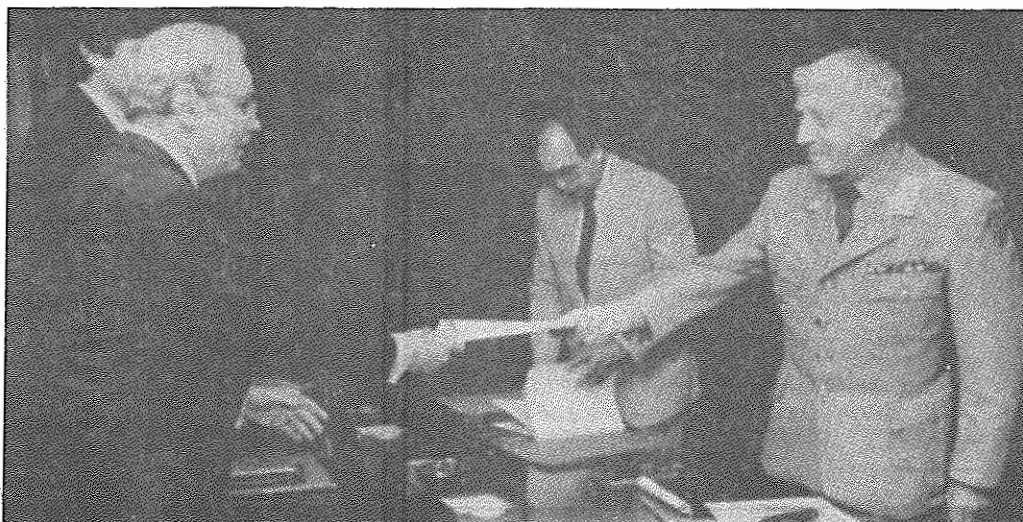
بهانه‌جویی و تشنج آفرینی در مذاکرات آتش بس و صلح، تازه آغاز شده و تا مدت‌ها ادامه خواهد یافت. این تشنج آفرینی‌ها باید انشا و محکوم شده و مدام هشدار داده شود که دور رژیم از برقراری صلح پایدار بین دو کشور با دارند. بدون صلح برقراری صلح مذاکره مستقیم میسر نیست. در برابر رژیم جمهوری اسلامی مدام باید بر این نکته تاکید کرد و اکراه رژیم از مذاکره مستقیم را به منزله اکراه آن از برقراری صلح پایدار دانست. این نکته درست، توجیه کننده بهانه‌جویی‌های بغداد نیست.

بی‌درنگ باید بین طرفین درگیر آتش بس اعلام شود و خونریزی در جبهه‌ها پایان یابد. باید امید داشت که نظر دبیرکل شورای امنیت مبنی بر اعلام آتش بس و همزمان با آن شروع مذاکره مستقیم به مورد اجرا در آید و به فائله آفرینی دو رژیم در زمینه تقدم و تاخیر آنها پایان داده شود.

اما موضوع تقدم یا هدم تقدم شروع مذاکره مستقیم بر زمان برقراری آتش بس تنها یک بعد از قضیه "مذاکره مستقیم" را تشکیل می‌دهد و ممکن است بحث در این زمینه تعهدا طولانی شده باشد تا سمت و سوی وجوه دیگر این موضوع روشن شود. مساله این است که مذاکره مستقیم در کجا صورت خواهد گرفت زیر چتر کدام نهاد حقوقی بین‌المللی خواهد بود، چه کسان دیگری در پشت میز مذاکره حضور خواهند داشت و یا از پشت پرده نقش موثری را در این زمینه ایفا خواهند کرد؟ اظهارات کارلوشی وزیر دفاع آمریکا در هنگام

بازگشتش از مسکو حساسیت روی این سئوالات را بیشتر کرد. کارلوشی گفت که آمریکایی‌ها کوشد اتحاد شوروی در مذاکرات صلح نقشی نداشته باشد و در واقع مذاکرات ایران و عراق آنگونه پیش رود که آمریکا بتواند بر روی آن تاثیر دلخواه خود را بگذارد. جمهوری اسلامی با این سخن همسویی روشنی دارد. دو هفته پیش بشارتی‌معاون وزیر خارجه رژیم اعلام کرد که اتحاد شوروی پیشنهاد کرده نمایندگان تهران و بغداد در مسکو به مذاکره مستقیم بپردازند. معاون وزیر خارجه رژیم گفت جمهوری اسلامی این پیشنهاد را رد کرده است. رد این پیشنهاد از سوی رژیم امری طبیعی است. "مذاکره مستقیم" با عراق برای جمهوری اسلامی جزئی از مجموعه "مذاکرات مستقیمی" است که رژیم در پیش رو دارد. مذاکرات حل و فصل اختلافات با قرب و با ارتجاع منطقه، اما خواهان مذاکره مستقیم هستیم، اما بر این نکته نیز واقفیم و این نکته را نیز افشا کنیم که هر دو رژیم ایران و عراق مذاکرات را بر یک بستر ارتجاعی خواهند افکند.

در این میان آمریکا شدیداً در فعالیت است تا اوضاع منطقه را تحت کنترل داشته باشد و پایان جنگ ایران و عراق را نیز در خدمت تقویت حضور و نفوذ خود و دیگر نیروهای ارتجاعی در منطقه قرار دهد.



در شامگاه روز پنجشنبه ۱۳ مرداد هیات نظامی سازمان ملل متحد به سرپرستی ژنرال نروژی مارتین وارست پس از بازگشت از تهران و بغداد گزارش خود را تسلیم خاویر پرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل کرد. مقامات سازمان ملل گفته‌اند که این گزارش منتشر نخواهد شد. خاویر پرز دو کوئیار اکنون پس از دریافت گزارش هیات آمادگی دارد که تاریخ آتش بس را اعلام کند.

تداوم درگیری های جنگی در هفته گذشته

درگیری های جنگی فروکش کرده اما هنوز ادامه دارد. مورد مهمی از جنگ در زمین در هفته گذشته گزارش نشده اما تقریباً هرروز طرفین به حملات هوایی و توپخانه ای علیه دیگر مبادرت ورزیدند. آخرین مورد درگیری رویارویی زمینی در منطقه قصر شیرین و سومار، و منطقه ملکشاهی بود. جمهوری اسلامی در روز یکشنبه ۹ مرداد اعلام کرد این مناطق را پس گرفته و در مقابل عراق اعلام کرد از این مناطق عقب ننشسته است. هواپیماهای عراقی چهارشنبه ۱۱ مرداد دو واحد صنعتی در بوشهر و خوزستان و در روز پنجشنبه ۱۲ مرداد دو واحد صنعتی در استان لرستان را بمباران کردند. در هفته گذشته هواپیماهای عراقی همچنین بر روی آسمان شهرهای ایلام، آقاجاری، بوشهر و اهواز ظاهر شدند و در مواردی بر فراز این شهرها دیوار صوتی را شکسته و وحشت آفریدند. جمهوری اسلامی همدا به حملات توپخانه ای در مناطق جزایر و صالح آباد پرداخت. در یک مورد قایق های توپدار رژیم به یک نفت کش نیروی حمله کردند. رژیم مسئولیت حمله به این نفت کش را برعهده نگرفت و گفت به تعهد خود مبتنی بر عدم حمله به کشتی های تجاری پایبند است. جمهوری اسلامی در روز سه شنبه ۱۰ مرداد اعلام کرد که عراق شهر اشویه را بمباران شیمیایی کرده و ۱۷۰۰ نفر را زخمی کرده است. عراق این خبر را تکذیب کرد. ابعاد حمله شیمیایی عراق هنوز روشن نیست و مشخص نیست آماری که رژیم در زمینه این جنایت ارائه می کند تاجه حد جنبه تبلیغی دارد. رژیم همچنان در حال اهزام نیرو به جبهه هاست. دستگاه های تبلیغاتی رژیم تم اصلیشان فرستادن نیرو به جبهه است. در راهپیمایی روز سه شنبه هفته گذشته همه مسئولین رژیم در این زمینه وسیعاً تبلیغ کردند. مردم با رفتن به جبهه مخالفت می کنند اهزام نیرو به جبهه، تداوم بخشیدن به وضعیت جنگی است خط جنگی شکست خورده، اما هنوز مردم در اضطراب بسر میبرند.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مردم ایران و عراق خواهان برقراری فوری و بدون قید و شرط آتش بس هستند

از صفحه اول

خمینی مرگ و ویرانی را بر مردم و میمن ماتحمیل کند. ما از مردم و همه محافل ترقی خواه عراق نیز طلب می کنیم که تهاجمات جنگی رژیم صدام را محکوم کنند و گذارند صدام با ماجراجوئی های شریرانه و تشبثات خود، برقراری بی قید و شرط و بلا درنگ آتش بس را با مانع روبرو سازد. مردم ایران و عراق اجازه نخواهند داد که سران دو رژیم با توسل به هیچ ترفند و بهانه ای صبح فرخنده صلح را به تعویق اندازند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این شرایط حساس، همه مردم صلح دوست کشور و کلیه محافل صلح خواه ایران و عراق و مجامع صلح طلب سراسر جهان را فرا می خواند که با محکوم ساختن تهاجمات جنگی رژیم صدام و برحذر داشتن رژیم خمینی از توسل به تشبثاتی که اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را با وقفه روبرو می سازد، به امر استقرار صلح پایدار میان دو کشور ایران و عراق که گامی قطعی در راه مهار سیاست تشنج فزایی امپریالیسم و ارتجاع در منطقه ما و به سود تحکیم صلح در جهان امروز است. بیش از پیش مساهدت نمایند.

مردم ایران و عراق خواهان صلح پایدارند. برقراری فوری و بدون قید و شرط آتش بس در تمام خطوط جبهه ها و اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ مبرم ترین خواست مردم ما است. جنگ باید فوراً در تمام جبهه ها قطع شود و نیروهای دوطرف باید برسر مرزهای بین المللی باز گردند. زنده باد صلح، مرگ بر جنگ افروزان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول مرداد ۱۳۶۷

را در مسلخ جنگی که بر ادامه آن جنایتکارانه و به هبت اصرار ورزیدند، باز هم قربانی کنند و خشم و نفرت به حق شمارا نسبت به این واقعیت که خمینی هشت سال تمام زهر به کام تان ریخت، به سوی دیگر منحرف سازند. این ادامه جنایت آفرینی های هشت ساله سران دورژیم است. در هشت سال گذشته، مردم دو کشور همواره قربانیان سیاست های ماجراجویانه و جنایتکارانه دو رژیم خمینی و صدام بوده اند. حاصل این سیاست ها مرگ و ویرانی برای مردم دو کشور ایران و عراق بوده است. اکنون چهره ضدمردمی و جنایتکارانه سران دو رژیم به این شکل جلوه گر شده است که روز پایان جنگ و ویرانی را با زهم به تعویق اندازند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هرگونه تطل و دفع الوقت در برقراری آتش بس بدون قید و شرط و اخلاص در اجرای قطعنامه ۵۹۸ را قویاً محکوم می کند. ما از هم میهنان خود می طلبیم که به بسیج و فراخوان های جنگی رژیم خمینی پاسخ نه بگویند، از شرکت در جبهه ها خودداری نمایند و اجازه ندهند بیش از این رژیم

آخرین خبرها در زمینه اعلام آتش بس

در بعداز ظهر روز شنبه ۱۵ مرداد (۶ اوت) صدام حسین اعلام کرد که هیات حاکمه عراق با اعلام آتش بس پیش از انجام مذاکره مستقیم بین رژیم های دو کشور موافقت کرده است. صدام حسین تاکید کرد که پس از اعلام آتش بس بلافاصله باید مذاکره مستقیم آغاز گردد. این امر منطبق بر آخرین نظری است که خاویر پرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد در این زمینه ابراز داشت. خاویر پرز دو کوئیار در روز جمعه ۱۴ مرداد اعلام کرد که مذاکره مستقیم می تواند همزمان با اعلام آتش بس آغاز گردد. جمهوری اسلامی با این نظر اعلام موافقت کرده بود، رژیم عراق اما در آغاز ضمن بیان موافقت بر خورد سردی با این نظر کرد.

بدنبال اعلام نظر موافق دولت عراق با برقراری آتش بس، خاویر پرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد، با ولایتی در مقر سازمان ملل دیدار و گفتگو کرد. این دیدار در صبح یکشنبه ۱۶ مرداد صورت گرفت. در پی آن اعلام گردید که در بعد از ظهر همین روز مذاکرات دبیر کل سازمان ملل با دیگر طرف های گفتگو ادامه می یابد.

بدنبال تحولات پدید آمده در دو روز اخیر، پیش بینی می شود که طی هفته جاری تاریخ اجرای آتش بس در جبهه های جنگ، تعیین و اعلام خواهد شد.

مشهور "آتش بس" در حقوق بین الملل

این روزها مدام واژه "آتش بس" به گوشمان می رسد. هر حقوق بین الملل آتش بس به معنی برقراری صلح نیست، هر چند که می تواند مقدمه و شرط برقراری صلح باشد. کنوانسیون لاهه به تاریخ ۱۹۴۸ مقرر می کند که آتش بس به معنی خودداری از عملیات جنگی در بین مظلومیت جنگی است. با اخطار قبلی که همراه با تعیین مدت است می توان به آتش بس خاتمه داد و اگر یک طرف مقررات آتش بس را افر کند خود خود قرار آتش بس افر شده و جنگ از سر گرفته می شود. کنوانسیون ژنو به تاریخ ۱۹۲۹ این ماده را بر کنوانسیون لاهه افزوده است که باید بلافاصله بعد از برقراری آتش بس، اسیران جنگی آزاد شده و نباید مبادله شوند.

سفر نمایندگان کنسر نهایی ایتالیایی و ژاپنی به تهران

دولت ایتالیا اعلام داشته است که ایران بابت پروژه ساخت تاسیسات بندر عباس که قرار داد آن در سال ۵۴ منعقد شده است، ۱/۵ میلیارد دلار بدهی معوقه دارد.

هفته آینده نیز یک هیات ژاپنی برای پیگیری روابط اقتصادی ایران و ژاپن و راد تهران خواهد شد. محور مذاکرات، اتخاذ تصمیم در مورد آینده پروژه شرکت پتروشیمی و نیروگاه اتمی بوشهر است. هزینه پروژه‌های مذکور از زمان انعقاد قرار داد آن تاکنون چندین برابر افزایش یافته است. نیروگاه اتمی بوشهر که تا قبل از آغاز جنگ تا ۸۵ درصد آماده شده بود در پی بمباران‌های مکرر چنان آسیب دید که اکنون هزینه اتمام آن بیش از ۵/۶ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

علاوه بر ژاپنی‌ها و ایتالیایی‌ها، انگلیسی‌ها نیز هفته گذشته به منظور حضور فعال در بازار ایران بطور موقت یک دیپلمات به تهران اعزام کردند تا زمینه‌های هادی‌سازی روابط دو کشور فراهم کند.

روز سه‌شنبه ۱۱ مرداد وزیر بازرگانی خارجی ایتالیا در راس هیاتی به منظور شرکت در اجلاس مشترک بازرگانی ایران - ایتالیا وارد تهران شد. سفر هیات ایتالیایی در پی انتشار اطلاعات رسمی دولت این کشور که در آن بر لزوم فعال ساختن کمیسیون‌های مشترک اقتصادی "ایتالیا و ایران" و "ایتالیا و عراق" تاکید شده است، انجام شد. "سیریاکودمیتا" نخست وزیر ایتالیا در این اطلاعیه خاطر نشان کرد که مشکلات بلندمدت اقتصادی، در چارچوب یک اقدام سیاسی از طریق مذاکره حل و فصل خواهد شد.

هیات اهزامی دولت ایتالیا طی سه روز اقامت در تهران با موسوی نخست وزیر و برخی از اعضای کابینه وی پیرامون روابط اقتصادی دو کشور گفتگو کردند. تکمیل طرح فولاد مبارکه اهواز، نیروگاه بندرعباس و پالایشگاه نفت و سایر مسایل اقتصادی در دیدارهای طرفین مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

تخلیه مدارس استیجاری و بلا تکلیفی دانش‌آموزان

هست که از این تعداد ۹۵۳ باب در استان تهران و ۸۷۱ باب در سطح شهر تهران قرار دارد. در منطقه‌ای که مدرسه "همت" قرار دارد ۱۴۵ هزار دانش‌آموز تحت پوشش آموزش و پرورش هستند که در ۱۵۵ واحد آموزش در کلاسهای تاریک و تنگ و با تراکم بالا جا داده شده‌اند. به گفته رئیس آموزش و پرورش منطقه به علت محدودیت فضای آموزشی ناچار شده‌اند وسط هر کلاس را تیغه کشیده و آن را به دو کلاس تبدیل کنند. حتی از انبار مدرسه نیز به عنوان کلاس استفاده شده است اما باز به علت کمبود جا بسیاری از دانش‌آموزان پشت درهای مدرسه مانده‌اند. در چنین وضعیتی است که احکام استرداد مدارس استیجاری پی در پی صادر می‌شود.

به دستور مقامات قضایی مدرسه راهنمایی پسرانه "حاج همت" در "بافت آباد" یکی از محرومترین و پرجمعیت‌ترین مناطق شهر تهران تخلیه شد و در اختیار مالک آن قرار گرفت. این بار ماموران رژیم هلاول بر تخلیه مدرسه، رئیس منطقه ۱۸ آموزش و پرورش تهران و دو تن از کارکنان این منطقه را که به تخلیه مدرسه اعتراض داشتند بازداشت کردند تا "در کار قانون دخالت نکنند".

مدرسه "همت" تنها مدرسه‌ای نیست که ۱۲۰۰ نفر دانش‌آموز آن قربانی سیاست‌های ارتجاعی رژیم در هرسه امور آموزشی می‌شوند. هرتابستان، در آستانه آغاز سال تحصیلی بکرات این صحنه‌ها تکرار می‌شود. هم اکنون ۳۶۸۵ باب مدرسه استیجاری در کشور

راه‌پیمایی "بیعت با امام" برگزار شد

روز سه‌شنبه هفته گذشته یک راه‌پیمایی سراسری در تهران و شهرهای بزرگ کشور تحت عنوان "بیعت با امام" برپا شد. برنامه راه‌پیمایی از یک هفته پیش از سوی منتظری اعلام شده بود و مسئولین جمهوری اسلامی برای کشاندن مردم به خیابان تدارک وسیعی دیده بودند، در سرتاسر کشور فعالیت‌های جاری تعطیل شده بود و همه وسایل نقلیه برای انتقال جمعیت به مراکز راه‌پیمایی به کار گرفته شده بودند. در تهران پیشاپیش راه‌پیمایان هاشمی رفسنجانی، احمد خمینی و نمایندگان مجلس حرکت می‌کردند و در اهواز خامنه‌ای.

در پایان راه‌پیمایی تهران یک قطعه نامه ۹ ماده‌ای قرائت شد و در آن پیروی از خمینی مورد تاکید قرار گرفت. در این قطعه نامه تشدید سرکوب گروه‌های سیاسی مخالف رژیم و "اطاعت از اوامر" منتظری در بندهای جداگانه‌ای تصریح شده بود. در قطعه نامه گفته شد که "روحانیون و علماء، منتظری قائم مقام رهبری را به عنوان نایب ولی امر دانسته و اوامرش را مطاع" می‌دانند.

وزیر خارجه عمان در تهران

ساعاتی پیش از انتشار موضع تازه هراق مبنی بر بازپس‌گیری شرط مذاکرات مستقیم میان ایران و هراق، وزیر امور خارجه عمان وارد تهران شد. رادیو دولتی ایران اعلام کرد که هدف سفر یوسف بن هلوی عبدالله به تهران گفتگو پیرامون جنگ ایران و هراق و روابط دو جانبه است. بن هلوی یک هفته در تهران اقامت خواهد کرد و در این مدت وظایفی را که از سوی جامعه عرب و کشورهای اسلامی به عهده وی گذاشته شده است، پیش خواهد برد. هفته گذشته ۷ کشور عرب مسئول رسیدگی به جنگ ایران و هراق در بغداد گرد آمدند و تحولات جاری منطقه و چشم‌انداز برقراری صلح را مورد بررسی قرار دادند.

قتل ۱۱ افغانی در زاهدان توسط پاسداران

مزدوران پاسدار ولایت فقیه هفته گذشته به جنایت تازه‌ای علیه مهاجرین افغانی مقیم ایران دست زدند. درگیری میان پاسداران و افغانی‌ها در زاهدان هنگام معاینه پزشکی زنان افغانی روی داد و پاسداران با استفاده از سلاح ۱۱ تن از افغانی‌ها را به قتل رساندند. به گزارش خبرگزاری‌ها، علت درگیری بی‌توجهی پاسداران به خواسته‌های زنان افغانی در زمینه نحوه معاینه پزشکی بود.

دولت افغانستان در اعتراض به این عمل جنایتکارانه پاسداران، کاردار جمهوری اسلامی در کابل را به وزارت امور خارجه فراخواند و اعتراض نامه دولت این کشور را به وی تحویل داد.



بقیه در صفحه ۴

راهپیمایی حاشیه نشینان

شادشهر و باغ فیض

همراه با گرم شدن هوادر دوسه ماهه اخیر و در نتیجه آن تشدید کمبود و در موارد بسیاری نبود آب آشامیدنی در شهرکهای حاشیه تهران، اعتراضات ساکنین این مناطق برانگیخته شده است. از جمله در روز ۱۴ اردیبهشت مردم شادشهر و باغ فیض به هلت نداشتن آب آشامیدنی به طرف شهرداری منطقه راهپیمایی کردند و اعتراض خود را نسبت به این امر ابراز داشتند. طی سال های اخیر مناطق حاشیه تهران بارها صحنه حرکت های اعتراضی حاشیه نشینان بوده اند. فقدان امکانات اولیه شهری و یورش های ویرانگرانه مامورین شهرداری به این مناطق بارها به درگیری مردم و مامورین مسلح رژیم منجر شده است.

درگیری خونین بر سر چاه آب

چند هفته قبل بخاطر یک چاه آب، درگیری شدیدی بین مردم دو شهر لار و گراش در استان فارس رخ داد که به کشته شدن یک نفر و مجروح شدن حدود ۴۰ نفر انجامید.

پیش از این واقعه مردم دوشهر در رابطه با گزینش نماینده برای انتخابات مجلس علیه یکدیگر تحریک شده بودند. کمبود آب و مشکلات متعدد مردم از این رهگذر موجبی برای بروز درگیری شد.

چاه آبی که بر سر آن درگیری شد در مرز لار و گراش قرار دارد. این چاه قبل از انقلاب حفر شده بود و اداره آب و برق می خواست آن را به شبکه لوله کشی آب شیرین لار متصل کند. مردم گراش همان موقع به این کار معترض بودند. بدنبال سرنگونی رژیم سلطنتی این پروژه متوقف شد و چند هفته قبل مجدداً آغاز شد. مردم گراش باز هم مخالفت خود را با انتقال آب چاه به شبکه لوله کشی لار ابراز داشتند و بر کمبود آب شیرین در گراش تاکید کردند. بر اثر این اعتراضات ادامه کار بمدت سه روز متوقف شد. اما دوباره ادامه یافت. گراشی ها که به خواستشان پاسخی داده نشده بود به طرف چاه حمله بردند و چند ماشین شهرداری مستقر در محل را به آتش کشیدند و کوشیدند چاه را پر کنند. در پی آن مامورین ژاندارمری وارد محل شده، ۴۸ نفر را دستگیر کردند. گراشی ها نیز به تلافی این دستگیری، اتوبوسی را که عازم لار بود، متوقف و ۴۳ مسافر لاری آن را پیاده کرده، به ضرب و شتم آنها پرداختند و علیه فرماندار لار شعار دادند.

این اقدام زمینه حمله مامورین ژاندارمری و گروهی از مردم لار به گراشی ها را فراهم ساخت و در نتیجه درگیری ناشی از آن چهل نفر مجروح و یک تن به قتل رسید.

فقدان تجهیزات ایمنی در کارخانه ها، حادثه می آفریند

مخالفت مدیریت برای تشییع جنازه از کارخانه بیرون می روند.

در تاریخ سوم خرداد ماه سال جاری نیز انگشت دست یکی از کارگران کارخانه پارس فیلتران زیر دستگاه پرس له شد.

حوادث فوق دو نمونه از دهها نمونه ای است که هر روزه در کارخانه های ایران رخ می دهند. فقدان تجهیزات ایمنی هلت اصلی بروز چنین فجایع دردناکی است که جان کارگران میهنمان را تهدید می کند.

در اواخر اسفند ماه گذشته، کارگران کارخانه ریستدگی قائم شهر که برای صرف صبحانه سالن کار را ترک کرده بودند، با شنیدن صدای ناهنجاریکی از دستگاهها به سالن بازگشته، متوجه می شوند که پیکر کارگری لای دستگاه تکه تکه شده است. بر اثر این حادثه دلخراش کارگران کار را متوقف می کنند و کارخانه عملاً تعطیل می شود. مدیر کارخانه پس از اطلاع از حادثه و توقف کار، در کمال بی تفاوتی کارگران را به ادامه کار دعوت می کند. اما هیچیک از کارگران به دعوت وی پاسخ نمی دهند و قلیبر هم

گرانی و سایل یدکی و گران شدن کرایه مینی بوس

کمیتہ چی ها با حضور در محل قول اسفالت جاده را دادند، مردم جاده را باز کردند.

در اماکن و گذرگاههای شهر ساوه شعارهای ضد حکومتی همچون "مرگ بر خمینی" و "ما جنگ نمی خواهیم" و سیوا جلب توجه می کنند. این امر جاسوس ها و کمیتہ چی ها را هار کرده است. آنها به هرکس شک کنند وی را دستگیر می نمایند. در این شهر از حوالی ساعت ۱۱ شب بعد عملاً حکومت نظامی مستقر می شود.

در یکی از شهرک های ساوه رانندگان مینی بوس کرایه را از ۳ تومان به ۶ تومان افزایش دادند این تصمیم با اعتراض شدید مردم مواجه شد. مردم در حالیکه با رانندگان که از خاکی بودن جاده و گرانی وسایل یدکی گله می کردند، همدردی می نمودند، همراه با آنها خواستار اسفالت جاده خاکی شدند.

بر اثر اجتماع رانندگان و مردم حمل و نقل در جاده مورد نظر بند آمد و تنها پس از آنکه

اعتراضات دو ستداران خشمگین فوتبال

تماشاگران باشگاه های مانند "بنیاد مستضعفان بنیاد ضد فوتبال" و "ما اهل کوفه نیستیم، پروین تنها بماند!"، مسابقه را دنبال کردند. از اواسط بازی باران رنگ و یخ و ... شروع شد. تماشاگران برای آنکه کسی بدست پلیس نیفتد هزار هزار از پله ها سرازیر می شدند و سنگ پرتاب می کردند. در این اعتراضات که به گفته حاضرین جنبه سیاسی داشتند، چند نقطه از استادیوم و تعدادی از صندلی ها به آتش کشیده شدند.

همانگونه که در شماره های پیشین "اکثریت" نوشتیم، روز جمعه ۱۲ خرداد همزمان با شروع مسابقات فوتبال باشگاههای تهران استادیوم آزادی محل اعتراض چند هزار تماشاچی علیه کنار گذاشتن هلی پروین مربی و بازیکن پرسابقه تیم پرسپولیس از این تیم بود. در جریان این حرکت اعتراضی تماشاگران خشمگین از نود هلی پروین مخالفت شدید خود را با بنیاد مستضعفان که این باشگاه را در اختیار دارد، ابراز داشتند. در سراسر مدت مسابقه

اجتماع سهامداران صندوق قرض الحسنه بعثت

کلامبرداری های کلان در صندوق های قرض الحسنه بوقوع پیوسته اند. براه اندازی این صندوق های یکی از شیوه هایی است که دست برخی از کلامبرداران - بمثابه سهامداران اصلی این صندوقها را برای سرکشیه کردن مردم باز گذاشته است.

دزدی های رایج در این صندوق ها و کاهش شدید قدرت مالی مردم که هراس از آینده را دامن می زند، مردم را به کوشش برای بیرون کشیدن سهام خود از صندوق های قرض الحسنه واداشته است.

تهران: از ساعت ۸ صبح روز دوشنبه سیزدهم تیرماه حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر سهامدار صندوق قرض الحسنه بعثت واقع در خیابان انقلاب با یک اجتماع چند ساعته در برابر دفتر این صندوق، خواهان استرداد پول های خود شدند. مسئولین اصلی این صندوق مبلغ ۸۰۰ میلیون تومان پول اثر ابالا کشیده و متواری شده اند.

با حضور تعداد زیادی از مردم هادی در اطراف اجتماع کنندگان چنان ازدحامی ایجاد شد که پلیس راهپیمایی و رانندگی عبور و مرور در منطقه را مسدود اعلام کرد.

طی این چند ساله موارد چندی از

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

کمک‌های مالی رسیده

۴۵۵۰۰۰	از ژاپن	محمد ب.
۲۰۰۰۰	"	۲۴۴۵
۳۵۰۰۰	"	۴۴
۱۰۰۰۰	"	فدائی
۵۰۰۰۰	"	۵۰
۱۰۰۰۰۰	"	جهانگیر
۳۳۲۰	"	احسان الله
۱۰۰۰۰	"	انوش
۱۲۵۰	"	ب
۱۰۰۰۰۰	"	فرشچی
۷۵۰	"	بلبل
۴۰۰۰	"	دومین موج صلح
۵۸۰	به یادر فائق انوش از فرانسه	
۲۷۰۳	کمک برای واحدهای فدائی داخل کشور از فرانسه	
۵۰۰	کمک مالی یک مسافر - از هندوستان	
۵۰	هدیه برای رادیو زحماتکشان ایران	
۱۷۹۷	کمک مالی گردآوری شده برای واحدهای فدائی داخل کشور از شهر مونیخ - آلمان فدرال	
۱۴۳۵/۹۷	به یادر فائق انوش برای کمک به واحدهای فدائی داخل کشور از شهر ووپرتال - آلمان فدرال	
۱۰۳۶	از محل کار جمعی هواداران سازمان برای ارسال کمک مالی از شهر برمن - آلمان فدرال	
۲۵۰	به یادر فائق شهید رضی الدین تابان از آلمان فدرال	
۱۰	به نام تابان از شهر بن آلمان فدرال	
۲۰	معلم میثم از شهر فرایبورگ آلمان فدرال	
۱۰۰	به یادر فائق فدائی از ارومیه آلمان فدرال	
۳۴۰	کمک جمعی از پناهندگان سیاسی مقیم شهر بولینگن آلمان فدرال	
۵۰۰	به نام شهدای سازمان از شهر ووپرتال آلمان فدرال	

دیرکل ج. ک. ا. ش. بخش بزرگی از سخنان خود را به تغییرات در نظام سیاسی اختصاص داد. وی گفت باید یک کمیسیون ویژه در این مورد تشکیل شود و لایحه قانونی مربوطه را تا اکتبر آینده آماده کند. سپس در این مورد نظر خواهی عمومی از مردم انجام خواهد گرفت و در نیمه دوم ماه نوامبر، اجلاس شورای عالی درباره تغییر قانون اساسی و قانون انتخابات تصیم خواهد گرفت.

گارباجف گفت در انتخابات شوراها نیز مانند انتخابات حزب باید چند نامزد به ازای هر کرسی معرفی شود.

رهبر شوروی در مورد مسئله سیاست در قبال ملیت‌ها و حادث شدن این مسئله میان ارمنستان و آذربایجان خاطر نشان کرد ریشه اصلی این پدیده "بی‌توجهی طولانی به ضروریات ویژه ملیت‌ها و اقوام متعدد کشور، بی‌توجهی به نیازها و منافع مشخص مردم از سوی برخی مسئولان" است. گارباجف همچنین در این رابطه به "فعالیت‌های گروه‌های فاسد در پایین" اشاره کرد که می‌خواهند با دامن زدن به روحیات ناسیونالیستی توجه جامعه را از فعالیت‌های کثیف خود در سالهای رکود منحرف کنند.

مصوبات پلنوم ۰۰۰

بقیه از صفحه آخر

میخائیل گارباجف دیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ج. ک. ا. ش.) در پلنوم ۲۹ ژوئیه کمیته مرکزی حزب، گزارشی تحت عنوان "در باره کار عملی برای تحقق مصوبات کنفرانس سراسری حزب" ارائه داد.

وی در این گزارش گفت: "شاید ما تازه به تدریج در می‌یابیم که نوسازی، یک روند واقعا انقلابی و دگرگون‌ساز است. من اطمینان دارم عنصر نو در حرکت ما، برای ما نکات غیرمنتظره و چرخشهایی به همراه خواهد آورد. آیا بدین دلیل باید دچار هراس شویم و به ارزیابی‌ها و نتیجه‌گیری‌های عجولانه روی آوریم؟"

گارباجف اظهار داشت کنفرانس سراسری حزب و نخستین گام‌ها در تحقق مصوبات آن نشان داد که جامعه شوروی مصمم به پیشروی در راه نوسازی و فلبه بر محافظه‌کاری است. وی افزود: "کنفرانس در همین حال با همه شعارهای شبه انقلابی و بیگانه با زندگی، با خواسته‌های افراطی و تلاشهای خیال‌پردازانه برای نوکردن همه چیز به یک ضربت، مخالفت کرد."

دیرکل ج. ک. ا. ش. تاکید کرد انتخاباتی که به زودی در حزب برگزار خواهد شد، "شباهتی با انتخابات پیشین نخواهد داشت". وی افزود در این انتخابات، سازمانهای حزبی از آزمون کنترلی سخت‌گیرانه و پاسخ‌دهی مسئولانه به جامعه خواهند گذشت.

گارباجف در رابطه با تحقق مصوبه کنفرانس در مورد محدودیت زمان مسئولیت‌های حزبی به دو دوره پیایی گفت که این زمان باید از هنگام انتخابات آتی به بعد محاسبه شود. وی در پاسخ به سؤالاتی که ممکن است در آینده پیش آید و در رابطه با مقاومتی که در مورد محدودیت انتخاب مسئولیت قابل انتظار است، اظهار داشت این طبیعی است که در رابطه با استفاده درست از کادرهای آزاد شده، مسائلی پیش آید. گارباجف افزود: "از شناخت و تجارب آنها باید به موثرترین وجه در خدمت جامعه و البته با توجه به خواست رفقای آزاد شده بهره گرفت."

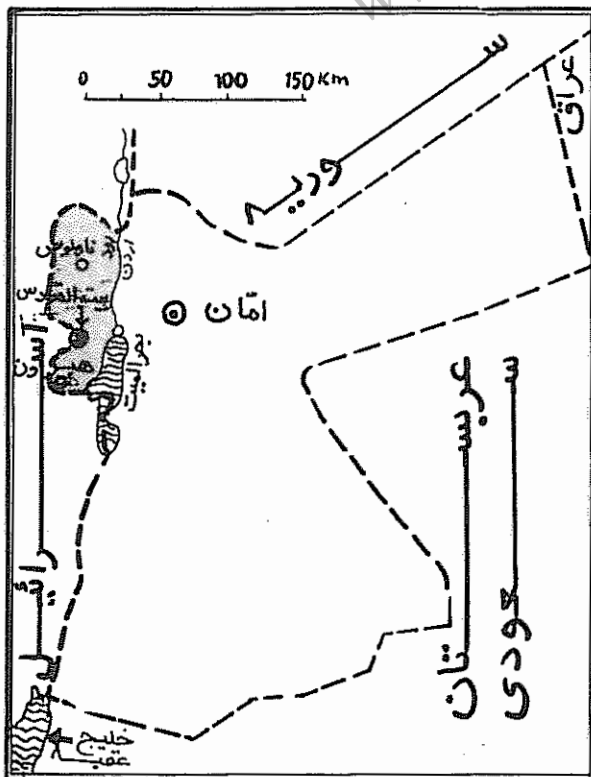
اردن: کرانه غربی ۰۰۰

بقیه از صفحه آخر

فلسطین از سوی سران هرب برای سازمان آزادیبخش فلسطین محفوظ اعلام شد.

همزمان با پیروزی سیاسی فلسطینی‌ها، مبارزه در مناطق اشغالی ادامه یافت. در هفته گذشته یک اعتصاب سراسری در این مناطق برگزار شد. در پاسخ به این اعتصاب، صهیونیستها در هبرون و رام الله خانه‌های ده فلسطینی را منجر کردند.

در بغداد اعلام شد شورای مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین اجلاس فوق العاده شورای ملی (پارلمان) فلسطین را فراخوانده است. قرار است عالی‌ترین ارگان ساف ظرف یک ماه نشستی تشکیل داده به بررسی وظایف جدید در نتیجه هشت ماه قیام مردم فلسطین در مناطق اشغالی بپردازد. این اجلاس همچنین در مورد وضعیت جدید پس از اعلام رسمی جدایی کرانه غربی از اردن، تصمیماتی خواهد گرفت.



اتحاد شوروی: بحث درباره تاریخ

در این روزها اتحاد شوروی شاهد بحث زنده و پرشوری درباره تاریخ این کشور پس از انقلاب اکتبر است. حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح.ک.ا.ش) که خود مبتکر انجام این بحث‌ها، به ویژه در مورد دهه‌های ۲۰ و ۳۰ است، انجام این تلاش برای دستیابی به حقیقت را گامی ضروری در جهت نو سازی همه جوانب زندگی اجتماعی می‌داند. تنها با برخورد نقادانه به گذشته است که می‌توان راه آینده را هموار کرد.

پراودا، ارگان مرکزی ح.ک.ا.ش در هفته گذشته تظاهراتی را در مسکو، رئیس موسسه تاریخ و آرشیو آکادمی علوم در باره تاریخ اتحاد شوروی را منتشر کرد (یوری آفاناسیف را نباید با ویکتور آفاناسیف که سردبیر پراوداست، اشتباه گرفت). این دانشمند شوروی پس از طرح این سؤال که "آیا می‌توان ادعا کرد هلیرقم سیاست استالین موفق شده ایم نوعی سوسیالیسم، هر چند سوسیالیسمی تغییر شکل داده، بسازیم؟"، چنین پاسخ می‌دهد: "ما هلیرقم قربانی‌های عظیم موفق نشدیم سوسیالیسم را از نوعی که لنین و همزمانش تصور می‌کردند، بسازیم." آفاناسیف، استالین را متهم می‌کند که حزب بلشویکها را تبدیل به "فرقه‌ای از شوالیه‌ها" کرد. این تاریخدان می‌افزاید: "راه ضدانقلابی استالین و دستگاه او، به لحاظ تاریخی ضروری نبود و بنابراین،

مشروع هم نبود." آفاناسیف سپس چنین نتیجه می‌گیرد: "من جامعه‌ای را که در کشور ما ساخته شد، یک جامعه سوسیالیستی نمی‌دانم." وی می‌افزاید آنچه بنام "انحرافات" شناخته شده است، مربوط به مبانی زندگی جامعه است. از این رو نباید به "نیجه حقیقت‌های تبلیغاتی" اکتفا کرد، حتی اگر حقیقت، تلخ و هراسناک باشد. آفاناسیف می‌نویسد: "ما، نه همه، بلکه مبارزان آگاه نو سازی، و نیز امیدوارم در طول زمان، اکثریت مردم، در درون خود، نیروهای برخورد تئوریک و تاکتیک مناسب سیاسی را خواهیم یافت تا بار دیگر راه سوسیالیستی را در پیش گیریم." وی می‌افزاید تنها در این صورت است که تصورات و تصمیم به نو سازی "هشیارانه، واقع‌بینانه و از این رو، امیدبخش" خواهد شد.

هیات تحریریه پراودا به آفاناسیف پاسخ داده است. در این پاسخ آمده است دستاوردهایی مانند مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید، محو استثمار انسان از انسان، دستاوردهایی سوسیالیستی‌اند. پراودا می‌افزاید نفی این دستاوردها از سوی آفاناسیف، نمی‌تواند ناشی از فراموشکاری باشد. در ادامه مقاله پراودا آمده است: "انکار واقعیت‌ها، ابزار بدی در بحث است و با روند نو سازی نیز که توسط حزب آغاز شد و در تحقق آن

میلیونها انسان شرکت دارند، مغایر است. حزب، به این روند، که شامل تحلیل گذشته برای ساختن آینده نیز هست، یاری می‌رساند و آن راه‌دایت می‌کند." پراودا در پاسخ به خواست آفاناسیف مبنی بر "در پیش گرفتن دوباره راه سوسیالیستی" می‌کند: "این پلاتفرم، تضاد فاحش با ارزیابی‌ها و نتیجه‌گیری‌های حزب تاکنون دارد. ارزیابی‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی که با همکاری رفیقانه و همراه با احساس مسئولیت تاریخی و بر مبنای حقیقت تاریخی تدوین شده‌اند. پلاتفرم مزبور در تضاد با تصویر عینی و دیالکتیکی از دستاوردها و عدم موفقیت، در تضاد با آزمون‌های دشوار و موفقیت‌های آشکار در راه ساختمان سوسیالیسم، با قهرمانی‌ها و حوادث‌اش، قرار دارد."

پراودا می‌افزاید: "خصلت برافروخته کننده مواضع آفاناسیف، یافتن برخوردی سازنده را دشوار و ناممکن می‌کند." در ادامه مقاله پراودا آمده است در تظاهرات آفاناسیف، جای تحلیل جدی و علمی فاکتورها و اسناد مشخص، که بدون آن هیچگونه علمیت و مشارکت واقعی در کنکاش علمی به سود نو سازی وجود ندارد، خالی است. پراودا در پاسخ به تظاهرات آفاناسیف مبنی بر اینکه "راه سیاسی دهه‌های ۲۰ و ۳۰ به لحاظ تاریخی ضرورت نداشت" به ارزیابی رهبری حزب به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب اکتبر اشاره می‌کند و می‌نویسد: "نه، راه دیگری ممکن نبود. ما تنها از این طریق توانستیم میهن خود را از مرگ

نجات دهیم و آینده سوسیالیسم را تضمین کنیم. در همین حال، این راه با تلفات عظیمی همراه بود. خطاهای سنگین، سرکوبهای جمعی و جنایات پیش آمد. از این رو است که ما نو سازی را قلمبه بر پدیده‌هایی می‌دانیم که با ماهیت سوسیالیسم بیگانه‌اند، نو سازی جامعه سوسیالیستی، به مثابه احیای نظری و عملی طرح لنینی سوسیالیسم است."

هیات تحریریه پراودا می‌نویسد آفاناسیف با برافروختگی و خشم حاضر است "به همه مخالفان خود برچسب هوادار نینا آندریوا بزند و به آنها سخنانی نسبت دهد که هرگز نگفته‌اند." (نینا آندریوا، نویسنده مقاله‌ای در روزنامه "سویتسکیا روسیا" بود که چند ماه پیش انتشار یافت و در آن، نویسنده انتقادات کنونی به زمامداری استالین را انتقام جویی بازماندگان کولاک‌ها و کادتها نامید.

پراودا در رابطه با این سؤال آفاناسیف که آیا لنین با طرح سیاست اقتصادی نوین (نپ) مرتکب اشتباه سنگینی نشده است و آیا ثمره انقلاب اکتبر، الزاما رژیم سرکوبگر و دیکتاتور منش نبود، آفاناسیف را متهم می‌کند که منکر این است که لنین اصطلاحی برای سوسیالیسم داشته است. پراودا می‌نویسد: "به ریشخند گرفتن قهرمانی خلق ما، مجاز نیست. ما همه در برخورد به تاریخ خود، مسئولیتی همیق داریم." و می‌افزاید امروز این مسئله در دستور کار قرار دارد که چگونه می‌توان برتری‌های سوسیالیسم را تحقق بخشید و گسترش داد. این است مسئله تعیین کننده در بحث پیرامون تاریخ.

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

سرپرست وزارت جهاد سازندگی منصوب شد

طی حکمی از سوی موسوی نخست وزیر، رسول لاهیجانیان قائم مقام زنگنه وزیر مستعفی وزارت جهاد سازندگی، به سمت سرپرست این وزارتخانه منصوب شد. موسوی در نامه خود از لاهیجانیان خواسته است تا تعیین وزیر برای جهاد، وی در جلسات هیات وزیران شرکت کند. علاوه بر وزارت جهاد، دو وزارت خانه دیگر نیز هنوز بدون وزیر و سرپرست فعالیت می‌کنند و سایر اعضای کابینه نیز بی آنکه تشریفات قانونی

اعلام نتایج کنکور سراسری

به تاخیر افتاد

بنا به تصمیم وزارت فرهنگ و آموزش عالی توزیع کارنامه‌های علمی و فرمهای انتخاب رشته شرکت کنندگان کنکور سراسری دانشگاهها تا مدت نامعلومی به تعویق افتاد.

وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعلام داشت که هدف از تاخیر انتشار نتایج کنکور "ایجاد امکان شرکت جوانان در ازمای‌های سریع است." قرار بود روزهای ۱۲ و ۱۳ مرداد کارنامه‌های علمی توزیع شود ولی جمهوری اسلامی تلاش می‌کند بر زمینه بلا تکلیفی چند صد هزار جوان، تا روشن شدن تحولات جاری جنگ، از آنان به عنوان نیروی آماده باش "اعلام نشده بهره گیرد.

در هفته گذشته همچنین ضوابط جدیدی در زمینه گزینش دانشجویان توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. در بخشی از مصوبه تصریح شده است که: "هیات گزینش می‌تواند از وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب درباره سوابق سیاسی و از وزارت آموزش و پرورش درباره سوابق اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه استعلام نماید."

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره اعدام گروهی دیگر از زندانیان سیاسی

هم میهمان!
در سحرگاه ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷ رژیم ددمنش جمهوری اسلامی باردیگر هفت تن از فرزندان قهرمان و دلاور شمارا اعدام کرد. تاکنون نام افتخار آفرین چهارتن از این شهیدان خلق معلوم شده است.

فدائی خلق، رفیق قهرمان فرامرز صوفی، از کادرهای برجسته سازمان ما، و رفقا سعید آذرنگ مبارز پرسابقه، مقاوم و ثابت قدم، از کادرهای حزب توده ایران، و نیز تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در میان اعدام شدگان هستند. آنها سالها در اسارت جمهوری اسلامی بودند، شکنجه‌های وحشیانه رژیم را تحمل کردند و سرانجام جان در راه پیمان نهادند.

رژیم جنایتکار خمینی که بحرانی‌ترین روزهای عمر خود را می‌گذراند، گنج سرانه و

تبهکارانه از مردم انتقام می‌گیرد. سران جنایتکار جمهوری اسلامی برای خاموش کردن فریاد صلح طلبی و آزادیخواهی مردم، و برای رهایی دادن گریبان خود از طوفان خشم خلق، به تبهکاریهای مذبحخانه متوسل شده‌اند. در شرایطی که خمینی جنگ طلب در مقابل اراده مردم به زانو افتاده و تسلیم شده، در شرایطی که سیاست‌های رژیم در همه هرصه‌ها باین بست مواجه شده و مملکت‌ترین بحران‌ها گریبان او را گرفته است، خمینی و همدستانش برای حفظ رژیم خود به سرکوب شدت بخشیده و از زندانیان و اسیران انتقام می‌گیرند.

اعدام‌های گروهی میهن پرستان در بند و تدارک اعدام‌های مخفیانه گروه‌های دیگری از فرزندان دلیر و مبارز مردم، نشانه وحشت این رژیم بی‌آینده از سرنوشت خویش است. آنها از انتقام مردم می‌ترسند. آنها از قهرمانان در بند که در سر پیمان

خود با مردم ایستاده‌اند، هراس دارند.

هم میهمان!

اطلاعات دیگری حاکی از آن است که حکم اعدام ۵۵ تن دیگر از فرزندان دلاور مردم ایران که در سیاه چالهای جمهوری اسلامی به سر می‌برند، در پیدادگاه‌های رژیم تایید شده است.

جان بسیاری از فرزندان اسیر شما در خطر جدی است. رژیم تبهکار خمینی قصد دارد زندانیان سیاسی را گروه گروه، بی‌سروصدا سر به نیست کند.

هلیه این تبهکاریها به پاخیزید. شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را محکوم کنید. اجازه ندهید تا جانیان حاکم بیش از این خون فرزندان شما را بریزند. اجازه ندهید تا میهن پرستان و آزادیخواهان به شکنجه و صلابه کشیده شوند.

نیروهای مبارز و آزادیخواه! هلیه تروریسم خمینی، هلیه وحشی‌گری بی‌سابقه رژیم فقها، برای نجات جان زندانیان سیاسی،

برای دفاع از اهداف شریف و انسانی یاران در بند خود، برای همکاری و همیاری با خانواده‌های زندانیان سیاسی، برای بسیج خلق هلیه ترور و اختناق متحد شویم. اقدام و عمل مشترک را برای نجات جان زندانیان سیاسی سازمان دهیم.

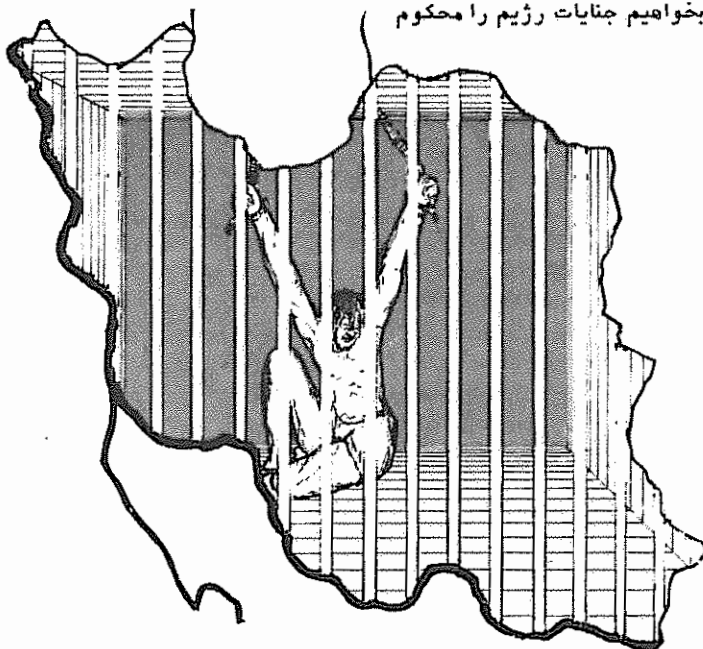
هم میهمان عزیز!
ایمان داریم که رژیم تبهکار جمهوری اسلامی با توسل به چنین جنایت‌هایی قادر نیست بر اراده مردم میهن ما فلبه کند. رژیم با جنایت و سفاکی‌های خود، مرگ خویش را نزدیک تر خواهد کرد.

درو دبیکران بر شهیدان خلق ننگ و نفرت بر جلادان حاکم بر ایران سرنگون باد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی
کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)
۳۰ تیرماه ۱۳۶۷

جان زندانیان سیاسی در خطر است

دژخیمان خمینی در کرمانشاه ۸ زندانی سیاسی را در ملأ عام به دار آویختند

کنند و خواستار لغو احکام اعدام ۵۵ زندانی سیاسی شوند.



سازمانها، محافل، گروهها و اتحادیه و شخصیت‌های آزادیخواه بخواهیم جنایت رژیم را محکوم

ضعیف قرار دارد. تاثیر هر اقدام، چه در داخل و چه در خارج از کشور، برای نجات جان زندانیان سیاسی، بیش از مواقع هادی است. تلاش رژیم برای مظلوم‌نمایی در هر صه بین‌المللی، امکان افشاکری بیشتر هلیه جنایات دژخیمان را فراهم آورده است. جمهوری اسلامی، اگر در برابر پرسش افکار عمومی جهان قرار گیرد که اگر واقعا خواهان صلح است، چرا به جنگ هلیه مردم ایران با شدت ادامه می‌دهد، پاسخی ندارد.

باید با استفاده از همه امکانات، برای نجات جان زندانیان سیاسی کوشید. بگذاریم تا یارانمان هم در شادی از شکست مفتضاحانه خمینی در تداوم جنگ، سهیم باشند. بگوئیم تا شادمانی مردم از دیوارهای زندان هم عبور کند و دژخیمانی که سلاح‌های خود را برای نشانه رفتن به سینه یارانمان آماده می‌کنند، ناکام بمانند. از افکار عمومی جهان، از احزاب،

بقیه از صفحه اول گردانندگان راهپیمایی سه شنبه گذشته تهران بنام "بیبیت مجدد"، در "قطعه‌نامه" این نمایش‌بندی را گنجانند که حاوی خواست تشدید جنایات هلیه زندانیان سیاسی است. مزدوران در این قطعه‌نامه طرح کرده‌اند که انقلابیون باید "به شدت تمام" سرکوب شوند. تلویزیون رژیم، با سببیت فیلمهایی از اجساد مجاهدینی که در درگیری با نیروهای جمهوری اسلامی به شهادت رسیده‌اند، نشان می‌دهد تا از مردم زهر چشم بگیرد.

این اخبار نگران‌کننده، همگی نشان می‌دهد که خطری که متوجه جان یاران اسیرماست، تاجه حد جدی است. خمینی می‌خواهد شادی مردم از تحمیل آتش بس به رژیمش را به تلخی کشتار گروهی دیگر از زندانیان سیاسی آفشته کند. باید این نقشه پلید را نقش بر آب کرد. رژیم اکنون در موقعیت



پلیس ترکیه در حال حمله به اعضای هیات بین‌المللی

کوتلو: دادستان دستور شکنجه مارا داد

و عقل سلیم بشری است. وی افزود: "شاید شما بتوانید ما را مجازات کنید. اما نمی‌توانید افکار ما را از سرمایه‌برون کنید. شما نمی‌توانید جلوی طلوع آفتاب دموکراسی را که در کشور ما نیز خواهد دمید، بگیرید." کوتلو افزود دموکراسی و قانونی شدن حزب کمونیست، خواست مردم ترکیه است.

در حاشیه محاکمه کوتلو و سارگین، یک هیات بین‌المللی متشکل از نمایندگان احزاب کمونیست فرانسه، پرتغال، یونان، آلمان فدرال و برلن غربی برای ابراز همبستگی با متهمان به ترکیه رفت. رژیم ترکیه که نخست قصد داشت این هیات را اخراج کند تحت فشار افکار بین‌المللی نتوانست این کار را انجام دهد. هیات مزبور در روز پنجشنبه ۲۸ ژوئیه کوشید در مقر نخست وزیری ترکیه پیام مشترک ۲۸ حزب کمونیست اروپا را به اوزال نخست وزیر تسلیم کند. در این پیام، احزاب کمونیست و کارگری اروپا خواهان حق همه زندانیان سیاسی، آزادی فوری کوتلو و سارگین، قانونی شدن حزب متحد کمونیستهای ترکیه و احیای حقوق سندیکایی شده‌اند. با اینکه کارکنان دفتر اوزال از اعضای هیات برای رفتن به نخست وزیری دھوت کردند، در محل به هیات گفته شد که اوزال آنها را نخواهند پذیرفت. بدنبال بحثی یک و نیم ساعته با مأموران نخست وزیری، پلیس به اعضای هیات حمله ور شد و آنها را با ضرب و شتم از ساختمان بیرون راند.

داشتند و نگذاشتند بخوابیم. سپس در حالیکه چشمانم را بسته بودند، آب سرد به من پاشیدند. آنها شیلنگ را به درون گوش‌های من هم گرفتند. "کوتلو افزود بعداً او را با شوک الکتریکی هم شکنجه کرده و مواد مخدر به او داده‌اند. وی گفت: "دادستان با صدور دستور شکنجه، قوانین را نقض کرده است. دادستان مجرم است. من در برابر مردم ما و در برابر تاریخ، این محافل را که عدالت و انسانیت را آشکارا نقض کرده‌اند، محکوم می‌کنم."

رهبر حزب کمونیست ترکیه گفت حق در جانب دموکرات‌هاست و کیفر خواست، مغایر با حق، منطق

اطلاعیه مطبوعایی نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا رژیم خمینی، به کشتار زندانیان سیاسی شدت بخشده است

۵۵ زندانی سیاسی در ایران در آستانه اعدام قرار گرفته‌اند. حکم اعدام آنان به تأیید بالاترین مرجع قضایی رژیم خمینی رسیده و هرآن ممکن است این زندانیان به جوخه اعدام سپرده شوند. در هفته‌های اخیر کشتار زندانیان سیاسی در ایران شدت گرفته است. در سحرگاه روز جمعه ۲۲ ژوئیه هفت زندانی سیاسی در زندان اوین تیرباران شدند. یکی از اعدام شدگان رفیق فرامرزی صوفی عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود که در سال ۱۹۸۶ دستگیر شده بود. سه عضو حزب توده ایران نیز جزو اعدام شدگان اخیرند. جمهوری اسلامی همچنین هشت زندانی سیاسی عضو سازمان مجاهدین خلق را در ملاء عام در شهرهای باختران و ایلام به دار آویخته است. آخرین خبرها حاکی از آن است که رژیم خمینی به زندانیان سیاسی در زندان اوین اجازه ملاقات با خانواده‌هایشان را نمی‌دهد. لغو ملاقات‌ها همواره به معنی اعدام‌های وسیع بوده است. رژیم خمینی که خط‌جنگ طلبی‌اش شکست خورده اکنون با کشتار زندانیان سیاسی از مردم ایران انتقام می‌گیرد. رژیم در حالی که همه اذهان متوجه موضوع پایان یافتن جنگ است، می‌خواهد از فرصت استفاده کرده و تعداد کثیری از زندانیان سیاسی را به جوخه اعدام بسپارد.

افکار عمومی جهان نقش مهمی در پایان دادن به جنگ ایران و عراق و به شکست کشاندن خط‌جنگ طلبی جمهوری اسلامی داشته است. جهانیان همچنین همواره با مبارزات مردم ایران اعلام همبستگی و از جان زندانیان سیاسی در ایران باید شدت بخشید. هم اکنون ۵۵ زندانی در زندانهای تهران در آستانه اعدام قرار دارند. به دفاع از جان آنان و همه زندانیان سیاسی پیردازیم. مردم ایران و زندانیان سیاسی در ایران از افکار عمومی جهانیان خواهان پشتیبانی هستند.

۱۹۸۸ اوت ۵

نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا

به انوشیروان لطفی دو بزرگداشت یاد او

مویه کنید، بگذارید تا قطرات اشک بر سینه بلفزند و در بارش خود زمین را نمناک سازند.

استوارترین و پر احساس‌ترین بزرگداشت همانا گره کردن مفت‌هاست و یادآوری تمامی آن نام‌آوران که هر چه از زندگی داشتند به فارت رفت، جانشان، میهن‌شان، خانواده‌شان.

نمی‌توانیم بشمریم که در هر سینه‌دم، هنگامی که پیکر بی‌جان آن مردان بزرگ در برابر آدمکشان تنگ بدست... خم می‌شوند، چند ستاره ناپید می‌گردند.

چراغ‌های پنجره‌تان را خاموش کنید، زیرا چشم به سپیده شکوهمند و امیدبخش مردان و زنانی دوخته شده که سرزمینشان، میزکارشان و بسترشان را رها کردند و به سرزمین‌های دیگری رفتند تا در آنجا شعله صلح را فروزان دارند. صلمی که در میان خلق، بر روی کوهی از ویرانی، تمامی برادران ایرانی‌مان را در آغوشی فراخ گرد خواهد آورد.

با حس همبستگی، از جلادان آزادیست را خواستیم، زندگیت را خواستیم انوش و او آنها را نداده نصیم کردند.

فلور سرنودا ۸۸/۶/۲۳

یادواره زیر را یک زن مبارز سالخورده و کمونیست اسپانیایی در سوگ اعدام انوش نوشته است. او قبلاً در تاهمای به سفارت جمهوری اسلامی در مادرید خواستار آزادی انوش شده بود.

عاطفه انسانی و همیتی که در این نوشته موج می‌زند، گواه روشن همبستگی رزمنده بغریت ترقیخواه بازندان سیاسی ایران و همه "شیرآهن کوه مردان" و زنانی است که پیکرهای بخون خفته‌شان مشعل‌های قروزان صلح و آزادی و عدالت‌اند.

پس از پدیدار شدن دورنمای صلح
میان ایران و عراق

کاریکاتور از لوموند



منتظری و مسئله شیر خشک

اخیرا وزیر بهداشت جمهوری اسلامی برای زمینه سازی کمبود مجدد شیر خشک (که ارز لازم برای تهیه آن به کام جنگ می رود) نامه ای برای منتظری نوشت و از او خواست تا در این زمینه مردم را "ارشاد" کند. منتظری در پاسخ خود، ضمن نقل یک آیه که "مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر می دهند" و روایتی که "هیچ شیری به اندازه شیر مادر برای بچه برکت ندارد" نوشت: "پدران و مادران به دستورات حیات بخش اسلام توجه کنند و... از فرهنگ تحمیلی فرب و استفاده از امثال شیر خشک و فذاهای وارداتی که معمولا وابستگی به خارج و از هم پاشیدگی خانواده ها را دنبال دارد، حتی المقدور پرهیز نمایند." (رسالت ۲ تیر) معلوم نیست "نقیه هالیدر" و ولیعهد خمینی که از نظر او لابد خرید اسلحه از آمریکا اصلا "وابستگی" ندارد، چگونه به این نتیجه رسیده است که استفاده از شیر خشک به "از هم پاشیدگی خانواده ها" می انجامد؟!

از هر آمریکایی یک نفر شوروی را عضو ناتو می داند

در حالیکه همه این کشورها و مناطق در سیاست آمریکا نقش مهمی ایفا می کنند. ۷۵ درصد شهروندان آمریکا از یافتن خلیج فارس و ۴۵ درصد از پیدا کردن آمریکای مرکزی ناتوان ماندند. تنها یک سوم آنها توانستند ویتنام را روی نقشه بیابند. ۵۵ درصد شهروندان آمریکایی می دانند که در آفریقای جنوبی، آپارتاید سیاست رسمی دولت است. ژاپنی ها، سوئدی ها، و کانادایی ها نسبت به مردم آمریکا اطلاعات بیشتری در مورد جمعیت ایالات متحده دارند. ۱۶ درصد شهروندان آمریکایی فکر می کنند که اتحاد شوروی عضو ناتو است! بیش از ۱۰ درصد آنها بدین خیالند که آمریکا عضو پیمان ورشو است. از هر هفت آمریکایی، یک نفر روی نقشه آمریکا را در جای نادرست نشان داده است.

تحقیقات موسسه ملی جغرافیای ایالات متحده که بر اساس یک نظرخواهی نمونه وار انجام گرفته است، نشان دهنده سطح بسیار نازل آگاهی شهروندان آمریکایی است. نمونه هایی از پاسخ های ۱۰۸۲۵ شهروند بالغ آمریکایی به سئوالات موسسه نظرخواهی گالوپ از این قرار است: ساندینست ها و کنترا در نروژ می جنگند، محل زندگی خر سهای پاندای چینی در اتریش است، و المپیک تابستانی امسال در عراق برگزار خواهد شد. در نظرخواهی مزبور، نقشه سفیدی در اختیار پاسخ دهندگان قرار گرفت و از آنها خواسته شد محل ۱۳ کشور و منطقه مشهور را در روی نقشه نشان دهند. بطور متوسط شهروندان آمریکایی تنها توانستند نیمی از این کشورها و مناطق را در روی نقشه پیدا کنند،

سخنان به یاد ماندنی

بعد از تسلیم رژیم به قطعنامه ۵۹۸، برخی سخنان سردمداران و مزدوران حکومت قهار درباره جنگ، که همین چند هفته پیش ابراز شده است، مضحک تر از پیش می نماید:

* "من به نمایندگی از مردم محروم جایی که ظلم ستم شاهی هنوز هم سایه گسترده است، خدمت دولت خدمتگزار هرض می کنم که ما راه نداریم، برق نداریم، آب آشامیدنی نداریم و باز هم هیچ نمی خواهیم الا پیروزی در جنگ."

یک نماینده دیگر هم برای خوش خدمتی، از همتایش پیشی گرفت و گفت: "مها شوید و بریزید به جبهه ها، اگر می خواهید رفیع محرومیت بکنیم، از همین نقطه باید شروع بکنیم."

یک نماینده مجلس آخوندی

* "عملیات بیت المقدس - ۷ یک عملیات ابتکاری و بی سابقه ای بود که رزمندگان ما به ادله زیادی انجام دادند... این عملیات حادثه عجیبی بود که بعدا خواهیم فهمید... یک چیز عجیبی بود... وقتی که عراق پاتک کرده نیروهای ما عقب آمدند."

رفسنجانی - به نقل از رسالت ۲۸ خرداد

* "دولت باید در جنگ ذوب گردد."

موسوی نخست وزیر هنگام گرفتن رای اعتماد از مجلس.

"مردم باید بدانند که انقلاب اسلامی پیوند اساسی با جنگ دارد و به شایعات صلح و پایان جنگ بدون تنبیه متجاوز نباید توجه کنند." فلاحیان معاون ساواک - ۲۳ تیر - سه روز پیش از تسلیم رژیم به قطعنامه ۵۹۸



یک کارگر فرانسوی عضو اتحادیه سندیکیایی ژ. پ. ت.، در شیپور مبارزه می دم. شمار روزهای اعتصاب در کارخانه های فرانسه نسبت به سال گذشته دو برابر شده است

مشروطيت و شيخ فضل الله

هر کس می‌داند که این روز، متعلق به مردم است و مردمی که طعم ۵۰ سال حکومت ننگین پهلوی و پایمال شدن قانون اساسی مشروطه را چشیده‌اند، فریب این دفلکاری‌ها را نمی‌خورند.

به مناسبت ۱۴ مرداد، فرصتی است تا با هم صفحاتی از کتاب "حیات یحیی" نوشته یحیی دولت‌آبادی را که به احوال شیخ فضل‌الله نوری و هم‌دستی او با محمدعلی شاه مستبد اختصاص دارد، بخوانیم:

۱۴ مرداد، سالگرد اعلام مشروطیت و روز یادآوری قهرمانی‌ها و جانبازی‌های خلق در راه آزادی است. این روز، روز تجلیل از مبارزه مردم و قهرمانان مشروطه بر علیه شیخ و شاه است. امروز، وارثان شیخ فضل‌الله برمسند حکومت تکیه زده‌اند. آنها هلث می‌گویند از مشروطه و روز مشروطیت متغیرند. اما بازماندگان شاه، برای هوامفریبی روز مشروطیت را برگزار می‌کنند، هر چند خود بهتر از

اکنون لازم است یک مرکز مخالفت مهم دیگر را که تاثیر آن در تشویق شاه بر ضد ملیون کمتر از تاثیر مخالفت سه طایفه مزبور از رجال دولت نیست در نظر بگیریم.

آن مرکز مهم، هیات روحانیان و روحانی‌نمایان مخالف مشروطیت و یا مخالف روحانیان موافق مشروطیت می‌باشد که در راس آنها چنانکه از پیش خوانده‌اید حاج شیخ فضل‌الله نوری و جمعی دیگر از قبیل سیدعلی آقایی یزدی که طرف توجه شاه و حرمسرای او است و از تبریز به تهران آمده در دربار مقام و نفوذی دارد می‌باشند و در ولایات حتی در هتبات عالیات یک یا چند تن از روحانیان و روحانی‌نمایان بر ضد روحانیان موافق مشروطیت خود را با شاه مربوط ساخته در همه جا زبان مستبدین گشته‌اند...

شیخ نوری در اینوقت که مجلسیان به نگارش متمم قانون اساسی مشغولند راهی برای نفوذ خود در مجلس بدست آورده... الفای شبهه می‌کند که ممکن است مطالبی بر خلاف شرع در متمم قانون اساسی نوشته شود در این صورت لازم است کمال مراقبت بشود و کلمه‌ای بر خلاف شرع قانونیت حاصل نکند و حکومت ملی مشروع داشته باشیم و این یگانه حربه‌ای است که او در مقابل حریفان خویش و آزادیخواهان به کار می‌برد. تعصب مذهبی طبقات مختلف خلق هم شمشیر او را تاثیر می‌نماید و صیقل می‌دهد...

بعد از مایوس شدن شیخ فضل‌الله از موافقت نمودن آقا سید عبدالله (بهجانی) و آقا سید محمد (طباطبایی) با او از طرف حوزه مرکزی استبدادی یعنی از دربار مأمور می‌شود کار را یک طرفی کرده جمعی از اهل علم را به قم خواری اسلام با خود به حضرت عبدالعظیم برده آنجا بماند و مردم را به سوی خود بخواند بلکه بدینوسیله روی دل همام را از مجلس و مشروطه برگرداند... آنجا اقامت می‌نمایند و بتوسط وزیر مخصوص از پولی که شاه به بانک روس حواله نموده مبلغ هنگفتی به مصرف این کار می‌رسد. این جمع با جمعی از مفتخواران و سورچرانان طهران چند ماه در حضرت عبدالعظیم می‌مانند و به هریک از متوقفین آنجا شهریه معین بقدر کفاف برای خودشان و برای خانواده‌هایشان داده می‌شود یعنی همه را شیخ می‌دهد و از هر کجا باید بگیرد می‌گیرد... در آخر شبها گاهی بعضی از رجال دولت می‌روند محرمانه شیخ را دیده دستور العمل می‌دهند و بر می‌گردند...

هیات مخالف در میدان توپخانه چند چادر می‌زنند جمعی از ارادل و اوباش شهر را زیر آن چادرها و در فضای میدان جمع می‌کنند شیخ فضل‌الله نوری و سیدعلی یزدی و میرزا ابوطالب زنجانی و ملا محمد آملی و ملا محمد علی رستم آبادی و جمعی دیگر از روحانیان را که با شاه همراه هستند در میدان حاضر کرده در حیاطی که پشت میدان توپخانه واقع و درش از میدان باز است نزدیک قورخانه کهنه آنها را منزل داده آش و پلو مفصلی برای ایشان تدارک می‌بینند. شبها مشروب بسیار برای مشتبه‌ها و سردستانان اشرار حاضر می‌کنند و همه را سرمست خدمتگزاری به شاه می‌نمایند...

روز دوم بعد از ظهر و قتیکه جمعی کثیر در میدان جمعند سید محمد یزدی بالای منبر رفته یا روی توپ نشسته مردم را به مخالفت با مشروطه ترغیب می‌نماید. جوانی نهایت‌الله نام در میان جمع سخنی می‌گوید که بوی مخالفت می‌دهد. می‌ریزند او را با قداره و قمه و کارد و قیصره قطعه قطعه نموده بدنش را به درخت می‌آویزند... پسر نقیب‌السادات شیرازی که در سلک روضه خوانهاست بعد از کشته شدن نهایت‌الله آمده با قلمتر اش چشمهای او را از حدقه درمی‌آورد و می‌گوید می‌خواهم چشم مشروطه را در آورم...

به سو سیالیسم پناه بر دند...



کمونیست بودند و نه طرفدار آلمان دمکراتیک، اما با همل خود، نقاب از چهره مدهیان حقوق بشر و آزادی برگرفتند. در آن سوی دیوار، مأموران مرزی آلمان دمکراتیک گروه پناهنده را به صرف صبحانه دعوت کردند. این عده، پس از چند ساعت به درخواست خود به برلین قریبی بازگشتند و توسط پلیس بازداشت شدند.

هکس، دیوار برلین را نشان می‌دهد. یک گروه ۲۵۰ نفره از جوانان اهل برلین قریبی که در اعتراض به برنامه احداث یک اتوبان منطقه‌ای در همسایگی مرز برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان را اشغال کرده بودند، بر اثر یورش پلیس تا بن دندان مسلح برلین قریبی، از روی دیوار به آلمان دمکراتیک پناه بردند. اینها هیچکدام نه

انشعاب فاشیست‌ها از کلیسای کاتولیک

سختی و با اخراج و توبیخ و اکشن نشان می‌دهد، سالها در برابر گسترش فعالیت لغو و طرفدارانش سکوت توام با تایید داشت. لغو دوست نزدیک دیکتاتورهای آمریکای لاتین و دارودسته فاشیستی لوپن در فرانسه است. انشعاب او از کلیسای کاتولیک، با هدف اهمال فشار بیشتر بر واتیکان برای حمایت فعال‌تر از جریانات سیاسی راستگرا و دیکتاتوری‌های سرکوبگر در جهان سوم انجام می‌گیرد.

بالاخره استف لغو رهبر جریان ماورا راست در کلیسای کاتولیک، استقلال خود را از واتیکان اعلام کرد و به چندسال مبارزه داخلی در میان کاتولیک‌ها پایان داد. جریان به اصطلاح سنت‌گرا در کلیسای کاتولیک از هنگام انتخاب و ویتلا کاردینال لهستانی به عنوان پاپ ژان پل دوم، بر قدرت و حمایت پاپ، مواضع خود را تحکیم کرد. پاپ که در برابر هر نافرمانی از سوی کشیش‌های آزادیخواه در آمریکای لاتین به



کاریکاتور از واشنگتن پست

وحدت در تنوع

بحثی پیرامون جنبش جهانی کمونیستی و انترناسیونالیسم

ج. وست: ما برای حل مسائل نوین، مبنایی مطرح داریم: تئوری مارکسیسم-لنینیسم. ما در خارج از چارچوب این تئوری، پاسخ‌ها را جستجو نمی‌کنیم (این مسئله دیگری است که تاچه حد مارکسیسم-لنینیسم را خوب می‌فهمیم و به درستی به کار می‌بندیم). سخن بر سر وحدتی است که بر تئوری و ایدئولوژی مشترک به مثابه مبنای عمل کمونیستها استوار باشد. بدیهی است که در درک مسائل، در کاربست تئوری و غیره، تنوع می‌تواند وجود داشته باشد، اما نباید این را از عمل روزمره، واقعیات مبارزه و تاریخ احزاب جدا کرد. تجارب اروتونیسم که بر نظرات دیگری استوار بود، هنوز تازه است. اروتونیستها در مقطع معینی، لنینیسم را رد کردند و موضع خود را در باره "مارکسیسم زمان ما" بیان داشتند. اما اروتونیسم به چه چیز دست یافت؟ اروتونیسم ورشکسته شد. احزابی که از این مشی دفاع می‌کردند، از آن فاصله گرفته‌اند. امروز، یک روند سالم سازی در جریان است، امری که باید از آن استقبال کرد. من همیقا معتقدم وحدت تنها می‌تواند بر پایه مارکسیسم-لنینیسم ایجاد شود و نه بر مبنایی دیگر.

ج. پاکوک: چندسال پیش، حزب ما راگانه حزبی ریزیونیست می‌نامیدند. در جنبش بین‌المللی کمونیستی هم‌ما این نظر حاکم بود که برخی احزاب، خود را در خارج از چارچوب جنبش قرار داده‌اند. به نظر من باید یک بار برای همیشه به این گونه برخورد پایان داد که به بهانه اینکه گویا یک حزب از راه مارکسیسم-لنینیسم منحرف شده است، اعلام کنیم دیگر نمی‌توان آن را یک حزب کمونیست دانست. این نظر هم احزاب باید بر پایه اصول معینی متحد شوند، می‌تواند به این بیانجامد که این یا آن حزب را در خارج از جنبش بدانیم. به نظر من نباید به چنین برخوردی دچار شویم. و اما به مسئله اروتونیسم بازگردیم. این یک اصطلاح نادقیق است که به نظر من، محتوای واقعی ندارد. در اروپای غربی در اواسط دهه ۷۰، شماری از احزاب کمونیست به این نتیجه رسیدند که در روند گذار دیمکراتیک کشورهایشان به سوسیالیسم، پلورالیسم سیاسی ضرورت دارد. آنها در باره اتحاد شوروی نیز نظرات انتقادی ابراز می‌کردند و اینگونه برخورد را سازنده نمی‌دانستند. به نظر ما گذشت زمان ثابت کرد که این انتقاد بر حق بود. آن نظرات، نظرات مهمی بودند که امروز نیز ارزش دارند. از این نظر، اگر برنامه ما با عنوان "راه بریتانیا به سوی سوسیالیسم" را که در سال ۱۹۵۱ تصویب شد، در نظر آوریم، می‌توان گفت حزب ما از زمره راهگشایان بود.

ج. وست: به نظر من، ارزیابی از هر حزب بر هده خود آن حزب است و هیچ دستور العمل

اتحاد شوروی، تردیدهایی ابراز کردند. به نظر ما، آن نظرات، نظرات ضد شوروی نبودند، بلکه موضعی کاملاً مجاز را بازتاب می‌دادند.

ج. وست: البته درست است که ایجاد وحدت بر پایه اصول هام، آسان تر است. آشکار است که در باره اهداف اصلی مانند محو خطر جنگ هسته‌ای و برچیدن سلاحهای هسته‌ای، توافق وجود دارد. در این باره که به این اهداف در تک‌تک کشورها چگونه می‌توان دست یافت، اختلاف نظر می‌تواند پدید آید. اما هیچ‌کس خواهان آن نیست که همه در این باره یکسان فکر کنند. گمان می‌کنم این کاملاً روشن است و همه ما می‌توانیم با چنین برخوردی موافق باشیم.

ج. پاکوک: این کاملاً مطابق با نظر من نیست. ممکن است دشواریهایی واقعی نیز وجود داشته باشد که نتوان آنها را بر اساس ویژگی‌های موقعیت احزاب در کشورهای خود توضیح داد و لازم باشد به آنها به مثابه ارزیابی‌های متفاوت از اقدامات یک حزب یا کشور دیگر نگریست. من بعنوان نمونه، از استقرار موشکهای شوروی نام بردم.

ج. وست: امروز که به مسئله می‌نگرم، می‌توان گفت که بدون استقرار این موشکها، احتمالاً قرار داد آبی ان.اف. (موشکهای میان برد هسته‌ای) حاصل نمی‌شد.

ج. پاکوک: این نظر من نیست. این استدلال که گویا باید برای نیل به خلع سلاح، نخست باید موشک مستقر کرد، بسیار خطرناک است و بدین معنی است که چیزی را ایجاد کنیم تا آن را از میان برداریم.

ج. وست: سخن بر سر آرزوهای ما نیست، بلکه بر سر این است که وقتی با امپریالیسم سروکار داریم، چگونه باید عمل کنیم.

ج. پاکوک: اما همواره امکان انتخاب وجود دارد: می‌توان از طریق نظامی یا از طریق سیاسی واکنش نشان داد.

در باره ریزیونیسم

ج. وست: به عرصه تئوری و ایدئولوژی بپردازیم. یکپارچگی ارگانیک احزاب، مستلزم وحدت ایدئولوژیک آنهاست. در یک حزب کمونیست، دو ایدئولوژی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

ج. پاکوک: اما چه کسی تصمیم می‌گیرد که وحدت ایدئولوژیک در جنبش ما باید پرچه اصلی استوار گردد؟ حزب ما؟ حزب شما؟ اکثریت احزاب، و یا توافق همگانی؟ امروز که همه می‌پذیرند مسائل پیچیده بسیاری در جهان وجود دارد، تعجب‌آور خواهد بود اگر در ارزیابی از پدیده‌های مختلف، نظرات متفاوت وجود نداشته باشد. چه کسی می‌تواند بگوید که کدام برخورد، درست و اصولی است؟ پاسخ این سؤال را تنها زندگی و تجربه می‌تواند بدهد.

جنبش جهانی کمونیستی، امروز مباحث مهمی را در دستور کار خود قرار داده است که به ارزیابی از موقعیت بین‌المللی، استراتژی و تاکتیک انقلابی در شرایط کنونی جهان، نقش و جایگاه احزاب کمونیست در تحولات، چگونگی همکاری و همکاری این احزاب در شرایط جدید، برداشتهای گوناگون از انترناسیونالیسم و همبستگی بین‌المللی و نیز نحوه همکاری کمونیستها با سایر نیروهای ترقیخواه مربوط می‌شود. ماهنامه "مسائل صلح و سوسیالیسم" در شماره ۷ سال ۱۹۸۸ خود، بحثی پیرامون این مسائل میان جری پاکوک، عضو هیات سیاسی هیات اجرایی حزب کمونیست بریتانیا و جیمز وست، عضو هیات اجرایی سراسری حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا را به چاپ رسانده است. ترجمه آن را در زیر می‌خوانیم.

یک فرمولبندی و چند برداشت

ج. پاکوک: به نظر من، امروز در مناسبات احزاب کمونیست، اصل وحدت در تنوع، تنها راه ممکن است و موقعیت واقعی را به درستی منعکس می‌کند. از سالها پیش، حزب ما از این موضع دفاع می‌کند که با وجود اختلاف نظرهای کاملاً جدی میان احزاب کمونیست، باید در راه وحدت کوشید و باید همکاری کرد. ما این نظر را در نشست‌های مختلف بین‌المللی ابراز کرده‌ایم، اما این نظر همواره مورد پذیرش قرار نگرفته است. در جنبش کمونیستی، این نظر رواج داشت که در صورت وجود اختلاف نظر، یک طرف مدافع موضعی نادرست است و یا اصلاً آنچه یک حزب کمونیست واقعی باید باشد، منحرف شده است. خوشبختانه به نظر می‌رسد این، دیگر متعلق به گذشته است.

ج. وست: هیب فرمول "وحدت در تنوع" به نظر من در این است که می‌توان از آن برداشتهای متفاوتی داشت. منظور از تنوع چیست؟ آیا منظور، این است که وحدت تنها زمانی قابل دستیابی است که تنوع به رسمیت شناخته شود؟ چنین فرمولبندی‌هایی تنها زمانی پذیرفتنی است و به حل مسائل کمک می‌کند که ما به آن مشخص تر برخورد کنیم. بعنوان نمونه، گمان می‌کنم برای هیچ‌کس درک ضرورت وحدت با توجه به وظیفه دفع خطر یک جنگ هسته‌ای، دشوار نیست. به جای پافشاری بر یک فرمول مجرد، بهتر است طرح مشخص مسئله جستجو شود.

ج. پاکوک: آیا فکر نمی‌کنید که دقیقاً همین می‌تواند به این بیانجامد که از طریق توافق در رابطه با حقایق مجرد، بدنبال وحدت باشیم؟ همیشه ایجاد وحدتی مبتنی بر اصول فراگیر و هام، آسان تر است. اما دقیقاً وقتی به موقعیت‌ها در زندگی واقعی می‌رسیم، به نظرات متفاوت برمی‌خوریم زیرا ممکن است احزاب، از روندهای واحدی، ارزیابی‌های متفاوتی داشته باشند، مثلاً به علت شرایط ویژه تک‌تک کشورها. حتی در رابطه با مسائل صلح و جنگ، تنوع اجتناب ناپذیر است. می‌خواهم به یک نمونه مشخص اشاره کنم. وقتی چند سال پیش در چکسلواکی و آلمان دیمکراتیک، موشکهای مستقر شده، برخی در حزب ما نصبت به این گام

کهنه نیز هست. در قیامین صورت، ممکن نخواهد بود که سرمایه‌داری امروزی را با تمام پیچیدگی و تناقض آن و در همین حال انعطاف‌پذیری و توانایی تحول آن تحلیل کنیم. امروز نمی‌توان بدون دست‌کشیدن از برخی تصورات کهنه درباره طبیعت سرمایه‌داری، آن را تحلیل کرد. به نظر من، این امر از جمله بدین معنی است که در نظریه بحران همومی سرمایه‌داری تجدیدنظر کنیم....

ج. وست: من در اینجا مسئله دیگری را نیز می‌بینم. باید بیشتر روشن شود که میان اندیشه نوین و تئوری مادر مجموع چه رابطه‌ای وجود دارد. این امر ضرورت دارد تا انسان‌های راجدا از دیگری قلمداد نکنند.

باید ملاقات کرد

اما بر چه اساس؟

ج. پاکوک: این مهم است که احزاب برای همکاری، امکاناتی بیابند تا تبادل نظر انجام دهند یا قرار اقدامات مشخصی را بگذارند. اما من گمان نمی‌کنم امروز بتوانیم نمونه شکل مشاوره سال ۱۹۶۹ قابل اجرا باشد زیرا این شکل، شامل تدوین سندی است که همه احزاب باید به آن رای دهند. تدوین چنین سندی سالها به طول خواهد انجامید. مصوبات چنین اجلاس‌هایی که در آن همه احزاب نمی‌توانند شرکت کنند، در زمان ما ارزش چندانی نخواهد داشت.

اگر احزاب کمونیست در مناطق معینی همکاری در رابطه با مسائل مشخص را آغاز کنند، از این امر باید استقبال کرد. در همین حال، مقید نخواهد بود اگر کمونیست‌ها حساب خود را از سایر نیروهای ترقی‌خواه جدا کنند. به نظر من، جستجوی اشکال همکاری احزاب کمونیست، در همین حال مستلزم بهترین حد از رشد مناسبات و همکاری ما با این نیروها، چه در داخل و چه در خارج از جنبش کارگری نیز هست. یکی بدون دیگری، به نام روزی می‌انجامد و مضر است.

ج. وست: به نظر من، بسیار لازم است که بطور منظم، جلسات همومی با شرکت نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری برگزار شود، به ویژه در باره مسائل صلح و همزیستی مسالمت آمیز. این امر برای پیروزی در مبارزه برای صلح و جهانی‌های از سلاح‌های هسته‌ای، اجتناب‌ناپذیر است. البته باید راه‌ها و وسایلی را نیز جستجو کرد که بتوان از طریق آن وحدت و عمل مشترک برای حل مسائل مشخص را تکامل بخشید. وحدت بین‌المللی کمونیست‌ها، از چنین تجاربی برمی‌خیزد. در این رابطه می‌خواهم به مسئله شرکتهای فراملیتی بازگردم. مادر حل این مسئله تاکنون موفقیتی نداشته‌ایم. من لازم می‌دانم برپایه یک توافق همومی، یک کمیته دائمی از نمایندگان چند حزب تشکیل شود تا به این مسئله بپردازد، نه برای اینکه تصمیماتی اتخاذ کند، بلکه بدین منظور که مشورت‌های متقابل انجام دهد، تبادل تجارب را سازمان دهد، به تدوین تحلیل‌ها و ارائه پیشنهادها بپردازد و غیره.

ج. پاکوک: من با تشکیل گروه‌های کار در باره مسائل معین موافق نیستم. بقیه در صفحه بعد

که همه ما با آن روبرو هستیم، درک و پذیرفته می‌شود. این امر به احزاب کمک می‌کند رابطه خود را نزدیک‌تر کنند.

و یک نمونه دیگر زمانی، برخی اعضای حزب ما می‌گفتند که ما دیگر مارکسیست - لنینیست نیستیم، از انترناسیونالیسم پرولتری فاصله گرفته‌ایم، رویزیونیست شده‌ایم و غیره. در روزنامه "مورنینگ استار" مقالاتی با چنین جملاتی منتشر می‌شد. و یک نشریه حزب شما بنام "مسائل سیاسی"، مقاله‌ای از "مورنینگ استار" را بدون ذکر موضع حزب ما تجدید چاپ کرد. این است نتیجه "مرتد"، دانستن دیگران. ج. وست: این بدان معنی است که شما حق خود می‌دانید از احزاب برادر، مثلا، ک. ا. ش. انتقاد کنید، اما این حق را که آنها از شما انتقاد کنند، برای آنها قائل نیستید.

ج. پاکوک: نه، برعکس. من از انتقاد رفیقانه استقبال می‌کنم، اما حمله چیز دیگری است. ج. وست: به نظر من لازم است بیشتر به این بحث بپردازیم و درباره گرایش‌های عینی تحول در جنبش‌ها سخن بگوییم.

پلورالیسم و همکاری

ج. پاکوک: به نظر من، می‌توانیم در جنبش بین‌المللی کمونیستی، پلورالیسم را مجاز شماریم. در گذشته، برخی احزاب، نظرات متفاوت با نظر خود را کفر یا نشانه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم، انحراف از آنچه موضع "درست" نامیده می‌شده، می‌دانستند. ما هنوز هم در مرحله قله بر این موقعیت قرار داریم، و به تدریج، هناسری از پلورالیسم را در جنبش خود تحمل می‌کنیم. من امیدوارم به پلورالیسم، زمانی در آینده بتوانیم پدیده‌ای هادی و شکل طبیعی همکاری کمونیست‌ها نگریسته شود...

ج. وست: درک حزب ما از اندیشه نوین، قبل از هر چیز مبارزه برای تغییر روند جهانی از رویارویی به همزیستی مسالمت آمیز دو نظام و تجدید نگرش به مسائل مبارزه طبقاتی در چارچوب همزیستی مسالمت آمیز است. ما باید به بسیاری چیزها به گونه‌ای دیگر بنگریم. این امر بدین معنی نیست که باید از مبارزه طبقاتی در سرمایه‌داری "دست کشید"، سخن برسر چیز دیگری است: سخن برسر این است که مبارزه طبقاتی چگونه تحول می‌یابد، چگونه باید آن را پیش برد، و ما با توجه به موقعیت کنونی در جهان، درباره آن چه نظری داریم. هنسرتو در برخورد با دقت‌آورد همین است. اندیشه نوین، به دست کشیدن از آموزش ما نمی‌انجامد، بلکه به معنای تکامل مارکسیسم - لنینیسم است.

ج. پاکوک: من با شما در این مورد که باید مشخص‌تر سخن گفت، موافقم. این امر ضرورت حیاتی دارد که واقعا به اندیشه نوین مسلح شویم و نه اینکه تنها به این وانمود کنیم که از آن پیروی می‌کنیم یا ادعای آن را داشته باشیم. بسیاری مسائل دارای اهمیت جهانی وجود دارد که در مباحث میان کمونیست‌ها در گذشته همواره بررسی نشده‌اند و یا به قدر کافی عمیق بررسی نشده‌اند. و طبیعی است که اندیشه نوین، در برگیرنده یک تجدید ارزیابی و دست کشیدن از

نمونه‌ای برای احزاب که شامل مقررات عام باشد، وجود ندارد. اما نباید مسئله ماهیت اروتومونیس را نادیده گرفت یا به سکوت برگزار کرد، بلکه به نظر من باید آن را دقیق‌تر بررسی نمود. در این رابطه، وقتی از بحران جنبش جهانی کمونیستی سخن می‌رود (چنین نظراتی وجود دارد)، من می‌گویم در واقع، این بحران و شکست آن چیزی است که بدان اروتومونیسم اطلاق می‌کنند. هم‌اکنون، روند قله بر موقعیت بحران در جریان است. به اعتقاد من، آنچه اروتومونیسم از آن دفاع می‌کرد، انحراف از مارکسیسم - لنینیسم بود. این پدیده، به لحاظ نظری و سیاسی در مناطق مختلف تحت عنوانی گوناگون ظهور کرد. در کشور ما، ایالات متحده نیز، پدیده مشابهی به صورت براودریسم (۱) دهه ۴۰ یا نظریه استثنایی بودن آمریکا در دهه ۲۰ وجود داشته است. به نظر ما، ریشه این پدیده قبل از هر چیز در تلاش برای جدا کردن حزب ما از تجارب گرد آمده در اتحاد شوروی بوده است. پس از افشاکاری‌ها درباره استالین در کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی (ج. ک. ا. ش.)، این گرایش، نمود نیرومندتری یافت.

ج. پاکوک: آیا به نظر شما امروز نیز در اروپای غربی نمونه‌های مشابهی وجود دارد؟

ج. وست: منظور من پدیده‌ای است که در یک جابه آن "اروتومونیس" در جایی دیگر به آن براودریسم و یا عنوان دیگری اطلاق می‌کنند، اما در همه جا وجوه و عناصر مشترک دارد. وجه مشخصه این پدیده این است که لنینیسم را از مارکسیسم جدا می‌کنند و به رسمیت شناختن مشروعت فراسیون اقلیت در حزب را به جای سائترالیسم دمکراتیک می‌نشانند. از این طریق همواره گرایش‌های گریز از مرکز تقویت می‌شوند، و در موارد بسیاری، این امر به انشعاب رسمی انجامیده است. این گرایش‌ها، مخرب و اختلال‌آور بودند، به پیدایش انحلال طلبی انجامیدند و به انضباط حزبی و یکپارچگی حزب لطمه وارد آوردند. در همین حال، به طبقه کارگر توجه کمتری شد. جای کادرهای برخاسته از طبقه کارگر را به رهبرانی می‌دادند که از نظرات اقشار میانی خرده بورژوازی دفاع می‌کردند. کار در میات توده‌های پرولتری کمتر شد. گاه حتی کارآموزش کادرهای کارگری متوقف شد.

ج. پاکوک: این جمعیتی، بر تجارب حزب کمونیست آمریکا تکیه دارد و یا تجارب سایر احزاب؟

ج. وست: سخن برسر مسئله‌ای همومی است که در شماری از کشورها دیده می‌شد. تا آنجا که به حزب کمونیست بریتانیا مربوط می‌شود، قضاوت بر عهده شماست.

ج. پاکوک: وقتی آغاز به این کنیم که از فعالیت سایر احزاب کمونیست ارزیابی به عمل آوریم و معین نماییم که آنها احزاب مارکسیست - لنینیست اند یا از مارکسیسم - لنینیسم منحرف شده‌اند، این امر می‌تواند در وحدت جنبش بین‌المللی کمونیستی خلل وارد آورد و به تفرقه آن یاری رساند. مثلا حزب کمونیست ایتالیا چند سال پیش با لمن شدیدی از اتحاد شوروی انتقاد کرد و پس از آن مورد حمله قرار گرفت. امروز، انعطاف‌پذیری حاکم است و پیچیدگی مسائل

وحدت در تنوع

بقیه از صفحه قبل

ج. وست: باین کار بطور آزمایشی نیز موافق نیستید؟

ج. پاکوک: نمونه مسئله‌ای مانند صلح و خلع سلاح را در نظر بگیریم که در آن بطور کلی با هم توافق داریم. بیاد آوریم: آخرین تلاش برای انجام مشاوره‌ای میان احزاب در باره این مسئله، کنفرانس ۱۹۸۵ پاریس بود. حزب ما از شرکت در آن خودداری کرد زیرا بحث در باره مسائل صلح و خلع سلاح بدون بررسی اوضاع پیرامون افغانستان رابی‌نرم می‌دانست.

از این گذشته، احزاب کمونیست در کشورهای خود با سایر نیروها همکاری می‌کنند، خواسته‌ای مشخص و استراتژی‌ای را که نوع برخورد معین، مثلاً به مسئله خلع سلاح را بازتاب می‌دهد، طرح می‌کنند. اگر اجلاسی در باره مسائل صلح و خلع سلاح برگزار کنیم که در آن احزاب مختلف شرکت کنند، احتمالاً در آن کار به متازعه خواهد کشید. حتی در رابطه با هر کتعی فرامی‌تبی، نظرات در این باره که چه باید کرد؟ مختلف است. بهتر این است که بپذیریم این، شکل مطلوب همکاری نیست.

ج. وست: نظر شما مثلاً درباره مشاوره احزاب کمونیست کشورهای عضو جامعه اروپا برای بررسی مسائلی که برای همه احزاب مطرحند چیست؟

ج. پاکوک: اگر در بحث درباره جامعه اروپا این هدف دنبال شود که یک استراتژی هماهنگ شده به تدوین در آید، یک بیانیه مشترک یا چیز مشابهی تدوین شود، چنین اجلاسی از ابتدا محکوم به شکست است. بهترین کاری که می‌توان کرد سازماندهی اجلاسی از احزاب کمونیست کشورهای جامعه اروپاست که در آن نظرات و تجارب مبادله شوند. اگر تلاش خودییش از این پیش‌رویم، این به نظر من تنها اتلاف وقت خواهد بود.

نیروهای چپ و

انترناسیونالیسم کمونیستها

ج. وست: این واقعیت که ما با جنبشهای صلح فیر کمونیست، طرفداران حفظ محیط زیست و نیروهای مذهبی همکاری می‌کنیم، نمی‌تواند عدم مشاوره میان کمونیستها را توجیه کند. چنین مشاوره‌هایی ضرورت مبرم دارد. مثلاً وقتی مادر مناسبات با سوسیالیستهای طرفداران محیط زیست به دشواری برمی‌خوریم، تبادل تجربه حتماً مفید است. مثلاً در آمریکا مسائل معینی در برخورد با سوسیال دمکراتها وجود دارد. برخی از آنان حاضرند حزب ما را به رسمیت بشناسند و با آن همکاری کنند، اما یک جناح ضد کمونیست هم وجود دارد. ما هلاقه‌مندیم تجارب سایر احزاب کمونیست را بشناسیم و دریابیم آنها چگونه بر اینگونه مسائل فائق می‌آیند و بر دشواریهای مشابه غلبه می‌کنند.

وقتی کمونیستها با سوسیالیستها همکاری می‌کنند، معمولاً مسئله رفهم با مطرح می‌شود. من می‌خواهم به روشنی بگویم که موافق رفهم

این اصطلاح با زبان سیاسی ما انطباق ندارد. ما ترجیح می‌دهیم از اصطلاح انترناسیونالیسم طبقه کارگر استفاده کنیم. البته کاربرد اصطلاحات، یک جنبه تاریخی نیز دارد. به نظر من، تاحدی اصطلاح انترناسیونالیسم پرولتری با این تصور همراه است که ج. ک. ا. بش. در جنبش بین‌المللی کمونیستی نقش تعیین‌کننده را دارد. فعالیت حزب ما، تا آنجا که به مناسبات، سیاست، برخورد آن به همبستگی و غیره مربوط می‌شود، همیقا انترناسیونالیستی است. به نظر من باید به انترناسیونالیسم محتوای جدیدی بخشید. مثلاً آنچه را که در بیانیه ۱۹۷۵ احزاب کمونیست اروپا در باره مسائل جهانی دارای از تباطلایتنک با همکاری جهانی دولتها گفته شد، در نظر آورید. چنین برخوردی به نظر من باید در استراتژی و شعارهای احزاب کمونیست بسیار بیش از آنچه امروز هست، بازتاب یابد.

چه عنوانی به آن اطلاق کنند، نیازمند نوسازی است. انترناسیونالیسم، مستلزم مناسبات با همه دیگر نیروهای ترقیخواه و همبستگی بین‌المللی است، امری که برای بریتانیا به علت روابطش با آفریقای جنوبی، خاور نزدیک و سایر مناطق، اهمیت ویژه‌ای دارد.

ج. وست: انواع مختلف انترناسیونالیسم وجود دارد، اما ما بطور مشخص از انترناسیونالیسم پرولتری سخن می‌گوییم که کمونیستهای آمریکا آن را انترناسیونالیسم طبقه کارگر نیز می‌نامند. طبیعی است که اتحاد شوروی در مورد انترناسیونالیسم پرولتری دارای حق امتیاز نیست. این حق امتیاز از آن مارکس و انگلس است که شعار "پرولترهای همه کشورها، متحد شوید!" را برای طبقه کارگر بین‌المللی مطرح کردند. این اصل بنیادین، ناشی از موجودیت طبقه کارگر و رسالت تاریخی آن است. همبستگی، بخش مهمی از این رسالت است. دقیقاً یکپارچگی جهانی طبقه کارگر است که انترناسیونالیسم آن را تشکیل می‌دهد، انترناسیونالیسمی که امروز در همه سطوح از ضرورت آن کاسته نشده، بلکه بر آن بیش از پیش افزوده شده است. و این انترناسیونالیسم، جای همکاری بین‌المللی در چارچوب گسترده‌تر در باره مسائل دیگر را نیز نمی‌گیرد.

وقتی از انترناسیونالیسمی نوین یا نوعی جدید از انترناسیونالیسم سخن می‌رود، ضرورت مبرم تأمین هژمونی تاریخی طبقه کارگر در همه جهات اصلی مبارزه اجتماعی و سیاسی، از جمله مبارزه در راه صلح، نفی نمی‌شود. این امر از اهمیت سایر اقشار مردم نمی‌کاهد. اما ما باید طبقه کارگر را در مرکز توجه قرار دهیم زیرا در فیر این صورت نقش پیشاهنگ انقلابی را از دست خواهیم داد.

پانویس

۱. ارل براودر (Earl Browder) از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۵ دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا بود. به پیشنهاد او در کنگره دوازدهم حزب در سال ۱۹۴۴ انحلال حزب تصویب شد. براودر خواهان تشکیل یک "جمعیت روشنگری سیاسی کمونیستی" بود. وی در سال ۱۹۴۶ از حزب اخراج شد. - هیات تحریریه مسائل صلح و سوسیالیسم.

هستیم. اما برخی رفهم‌ها تنها این هدف را دنبال می‌کنند که گرایشهایی را که برای طبقه کارگر منفی است، تا حدی تضعیف کنند، در حالیکه برخی رفهم‌های دیگر، چشم‌اندازی سوسیالیستی دارند. گاه تشخیص این تفاوت دشوار است. از این رو من بر این نظرم که مشورت‌های بین‌المللی میان احزاب کمونیست در راه همکاری با سوسیالیستها ضرورت دارد. بدیهی است که این امر، اتحاد عمل با آنها را منتفی نمی‌کند. ما خواهان این نیستیم که سوسیالیستها برای همکاری با کمونیستها، بین‌الملل سوسیالیست را منحل کنند. و ما پیشنهاد هم نمی‌کنیم که خود یک بین‌الملل به وجود آوریم. این بسیار خوب است که میان بین‌الملل سوسیالیست و برخی احزاب کمونیست، مناسباتی وجود دارد. اما این امر جای همکاری با سوسیالیستها در داخل کشور و تبادل تجربه درباره رشد این همکاری را نمی‌گیرد.

ج. پاکوک: در خلال بحث ما من به این فکر رسیدم که سازماندهی اجلاسی مفید خواهد بود که در آن نمایندگان احزاب کمونیست و سوسیالیست در باره نحوه همکاری خود برای حل مسائل مشترک و یادار این باره که در چه مواردی نمی‌توانند همکاری کنند، به بحث بنشینند. احتمالاً مفیدتر از همه این خواهد بود که ملاقاتها در چارچوب مناطق یا گروه‌های معین انجام گیرد. در این صورت دو روند بطور همزمان پیش خواهد رفت: رشد مناسبات، همکاری نزدیک‌تر با نیروهای ترقیخواه و دمکراتیک در باره مسائل مشخص و سازماندهی مشاوره‌ها و دیدارهای احزاب کمونیست.

ج. وست: من نسبت به موقعیتی که در آن یک حزب کمونیست با نیروهای اجتماعی گسترده‌ای، در باره یک برنامه معین توافق کند، تفاهم ندارم، اما در این صورت آن حزب از حق داشتن موضعی مستقل محروم نمی‌شود. در اینجا تضادی وجود ندارد.

ممکن است تلاش خود بیانیه‌هایی مشترکی از احزاب کمونیست درباره یکی از مسائل حاصل شود. اما وظایف اولیه احزاب در کشورهایشان مختلفند.

ج. وست: باید در هر موقعیت مشخص، تحلیل کرد و تصمیم گرفت که چنین اقدامی مفید خواهد بود یا نه. می‌دانیم که بین‌الملل سوسیالیست، هراز چندی بیانیه‌هایی منتشر می‌کند، و این امر تأثیری بر موضع احزاب عضو آن ندارد و الزاماً فعالیت آنها را با دشواری مواجه نمی‌کند. ما فاقد یک بین‌الملل کمونیستی هستیم، اما اگر گروهی از احزاب، اجلاسی برگزار و سندی تدوین کنند، به اعتقاد من تا این حد مسئولانه عمل خواهند کرد که این اقدامشان نه مضر، که مفید باشد.

ج. پاکوک: در جهانی که در آن، وابستگی متقابل و انترناسیونالیسم دارای اهمیت عظیم و فزاینده است، نمی‌توان تصور کرد که ما از یک امکان، از جمله این امکان، بهره‌نگیریم.

حال به محتوای مفهوم انترناسیونالیسم می‌روسم. حزب ما به دلایل مختلف اصطلاح "انترناسیونالیسم پرولتری" را به کار نمی‌گیرد. به نظر ما این اصطلاح حتی در معنی لغوی آن نادقیق و کهنه شده است. از این گذشته،

از میان دیگر رویدادها

● اتحاد شوروی در اجرای قرارداد محو موشکهای میان برد هسته‌ای پیشقدم شد و در هفته گذشته ۱۲ موشک از این نوع را با حضور ناظران بین‌المللی منفجر کرد. انفجار این موشکها در پایگاهی در ۱۲۰ کیلومتری شمال آلماتا، مرکز جمهوری کازاخستان شوروی صورت گرفت. قرار است اتحاد شوروی ۱۲۶۸ موشک میان برد خود را در اجرای قرارداد منهدم کند.

برای نخستین بار، وزیر دفاع آمریکا در هفته گذشته بازدید از اتحاد شوروی به عمل آورد. کارلوسی در جریان دیدار از تاسیساتی بازدید کرد که تاکنون هیچ سیاستمدار غربی ندیده بود.

● جبهه رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی السالوادور اعلام کرد تنها ظرف ۶ ماه نخست سال ۱۹۸۸، ۳۷۵۵ تن از افراد ارتش السالوادور را کشته یا مجروح کرده است. در این مدت نبرد در همه ۱۴ استان السالوادور ادامه داشته است. بیش از نیمی از تلفات ارتش، در مناطق مرکزی و شرقی کشور بوده است.

به گزارش رادیوی انقلابیون، ظرف مدت نامبرده تعداد زیادی از مبارزان جدید به صفوف جبهه رهایی بخش پیوسته‌اند. در نیمه نخست ۱۹۸۸، انقلابیون به وسیله‌ترین حملات خود علیه تاسیسات تولید انرژی دست زدند تا به اقتصاد جنگی رژیم دوارته ضربه بزنند. تعداد زیادی از پست‌های توزیع و خطوط انتقال برق منهدم شده‌اند.

● دانشجویان دانشگاه سانتیاگو در پایتخت شیلی در روز ۲۹ ژوئیه با برگزاری تظاهرات علیه نقشه پینوشه برای تمدید دوره زمامداری خود اعتراض کردند.



● دولت یونان تصمیم گرفت پایگاه هوایی آمریکایی الینیکون در نزدیکی آتن را تعطیل کند. از پائیز سال گذشته مذاکراتی میان دو کشور برای تمدید قرارداد مربوط به پایگاههای آمریکایی در یونان جریان دارد. این مذاکرات به علت اختلافات طرفین هنوز به نتیجه نرسیده است.

● ریگان رئیس‌جمهور آمریکا از کنگره این کشور خواست یک کمک ۱۸ میلیون دلاری به ضد انقلابیون نیکاراگوئه را تصویب کند.

ردپیشنهاد آفریقای جنوبی از سوی آنگولا و کوبا

نماینده و هیات کوبایی از سوی کشورش و آنگولا اعلام کرد چنین پیشنهادهایی قبلاً نیز از سوی رژیم پروتوریا مطرح و از سوی افکار عمومی جهان رد شده‌اند. وی افزود امر خروج نیروهای کوبایی تنها به آنگولا و کوبا مربوط می‌شود و کوچکترین ارتباطی با استقلال نامیبیا ندارد.

در جریان مذاکراتی که در ژنو برای حل و فصل مسائل جنوب آفریقا میان آنگولا، کوبا، آفریقای جنوبی و آمریکا صورت می‌گیرد، در هفته گذشته آفریقای جنوبی پیشنهادی ارائه داد که طبق آن، به شرطی به نامیبیا استقلال داده خواهد شد که قبلاً نیروهای کوبایی از آنگولا خارج شده باشند. این پیشنهاد پس از انتشار هلنی آن از سوی کوبا و آنگولا رد شد.

سفر وزیر خارجه شوروی به کابل

مطروحه از سوی ژنرال کیم زاگولف را رد کرد.

ژنرال کیم زاگولف از مقامات نظامی سابق شوروی در افغانستان در مصاحبه با نشریه شوروی "اوگونیک" انقلاب ثور افغانستان را یک کودتای نظامی خوانده، امکان موفقیت سیاست آشتی ملی دولت افغانستان را ناچیز دانسته است.

در پاسخ به زاگولف همچنین وزارت خارجه شوروی بیانیه‌ای انتشار داد و اظهارات زاگولف را نظر شخص او دانست.

ژنرال ووستروف که در افغانستان مافوق زاگولف بوده است، در مصاحبه با کراسنایا سوزدا اظهارات زاگولف را ناشی از هدم شناخت کافی وی از اوضاع افغانستان به محدود بودن مسئولیتش در کابل دانست.

ادوارد شوارندادزه وزیر خارجه شوروی در هفته گذشته دیداری از کابل به عمل آورد و با مقامات افغانستان درباره چگونگی اجرای قراردادهای ژنو پیرامون افغانستان مذاکراتی انجام داد.

سفر شوارندادزه به کابل، پس از دیدار صاحب‌زاده یعقوب خان وزیر خارجه پاکستان از مسکو صورت گرفت.

محمد جواد لاریجانی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز پیش از سفر شوارندادزه به کابل با وی دیدار کرده بود.

در مطبوعات شوروی بحث پیرامون سیاست شوروی در قبال افغانستان ادامه دارد. نشریه کراسنایا سوزدا ارگان ارتش شوروی با درج مصاحبه‌ای از ژنرال ووستروف، نظرات

کنفرانس علمی در وزارت خارجه شوروی

واقعیات مصر اتم می‌نگرد. وی افزود: "ما به دلایل بسیار از اینکه همزیستی مسالمت آمیز را شکلی از مبارزه طبقاتی بدانیم، خودداری می‌کنیم. همزیستی‌ای که بر اصولی مانند هدم تجاوز، احترام به حاکمیت و استقلال ملی، هدم مداخله در امور داخلی و غیره مبتنی است، نباید با مبارزه طبقاتی یکی گرفته شود. دیگر مبارزه دو نظام متضاد، گرایش تعیین کننده دوران حاضر نیست. در دوران کنونی، توانایی افزایش کالاهای مادی با آهنگی سریع‌تر و بر پایه دانش پیشرفته، تکنیک و تکنولوژی هالی، و توزیع عادلانه این کالاهای، احیا و حفظ منابع لازم برای بقای بشریت از طریق تلاشهای مشترک، اهمیت تعیین کننده می‌یابد."

ادوارد شوارندادزه وزیر امور خارجه شوروی در یک کنفرانس علمی در وزارت خارجه این کشور اظهار داشت لازم است مصوبه نوزدهمین کنفرانس حزب مبنی بر اینکه باید نقش راههای سیاسی در تامین امنیت بین‌المللی افزایش یابد، نتایجی جدی برای دیپلماسی شوروی داشته باشد. شوارندادزه گفت:

"مسئولیت ما در قبال ارزیابی‌های ما از اوضاع بین‌المللی افزایش می‌یابد. باید در تدوین سیاست خارجی فعالیت، مسئولیت و ثمر بخشی ارتقا یابد."

به گفته شوارندادزه، اندیشه نوین سیاسی، به همزیستی مسالمت آمیز در متن

پنتاگون:

دستگاههای رادار، ارباس ایرانی را مسافری تشخیص دادند

"وینسنس" به علت فشار ناشی از درگیری چند ساعته با نیروهای جمهوری اسلامی و کم بودن فرصت تصمیم‌گیری، به هلاطم رادار توجه کافی نکرده‌اند.

در آمریکا ناظران پیش‌بینی کرده‌اند که با انتشار گزارش پنتاگون، احتمال پرداخت فرامت از سوی دولت آمریکا به بازماندگان قربانیان جنایت پنتاگون، افزایش یافته است.

هفته گذشته نکاتی از گزارش پنتاگون وزارت دفاع آمریکا در مورد چگونگی هدف قرار گرفتن هواپیمای مسافری ارباس ایران منتشر شد. در این گزارش اعتراف شده است که برخلاف ادعای اولیه نظامیان آمریکایی، دستگاههای رادار رزمناو "وینسنس" به درستی نشان داده‌اند که هواپیمایی که بر فراز خلیج فارس در پرواز بود، یک هواپیمای مسافربری است. گزارش پنتاگون مدعی شده است که خدمه

کوتلو: دادستان دستور شکنجه مارا داد

بین المللی می‌کند و امکان انتقال پدیده‌های بحران کشورهای اصلی سرمایه‌داری را به کشورهای نظیر ترکیه فراهم می‌آورد. وی افزود رژیم برای اجرای این سیاست، می‌خواهد همه‌گونه مقاومت علیه آن، از جمله فعالیت اتحادیه‌ها و احزاب کارگری را سرکوب کند. رهبر حزب کمونیست ترکیه اظهار داشت کمونیست‌های این کشور در مقابل رژیم، برای تحقق سمت تحولی متفاوت در سیاست ترکیه مبارزه می‌کنند، تحولی که مطابق ضروریات کل رشد اجتماعی و همراه با نوسازی بنیادین نظام سیاسی بر مبنای وسیع دموکراتیک باشد.

دبیرکل حزب کمونیست ترکیه سپس به شکنجه خود در هنگام بازداشت توسط پلیس اشاره کرد و گفت: "مرا ساعتها سرپا نگه بقیه در صفحه ۹

با حضور بیش از ۴۰ ناظر خارجی، در روز دوشنبه اول اوت چهارمین روز محاکمه حیدر کوتلو و نیهایت سارگین رهبران کمونیست‌های ترکیه در آنکارا برگزار شد.

حیدر کوتلو در این روز آخرین بخش دفاعیه خود را قرائت کرد. وی بار دیگر دادگاه را به تریبونی برای محاکمه رژیم ترکیه تبدیل کرد. دبیرکل حزب کمونیست ترکیه با اشاره به مواد ۱۴۱ و ۱۴۲ قانون کیفری ترکیه که به موجب آن فعالیت کمونیستی ممنوع است، اعلام کرد: "ترکیه کشوری نیست که تابع حقوق بشر باشد." وی افزود در ترکیه می‌خواهند با قانون به مردم دستور دهند که چگونه باید بیاندیشند و چه افکاری ممنوعند.

کوتلو در رابطه با سیاست اقتصادی رژیم گفت این سیاست، ترکیه را تسلیم اراده انحصارات

مصوبات پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

اصلاح نظام قضایی: تا واسط سال ۱۹۸۹ باید اصلاح نظام قضایی و نوسازی فعالیت دادستانی، دادگاه قراردادهای دولتی، ارگانهای تقنینی و نظام وکلا به پایان برسد.

انتخابات حزبی: در مصوبه‌ای در این باره آمده است کارزار گزارشده‌ی و انتخاباتی که امسال در ج.ک.ا.ش انجام می‌گیرد، باید به فعال کردن توده اعضای حزبی یاری رساند. این مصوبه همچنین پیش بینی کرده است در فهرست‌های انتخاباتی بیش از تعداد کرسی‌ها، نامزد معرفی شوند و نیز رای‌گیری به‌طور مخفی انجام گیرد.

نوسازی دستگاه حزب: پایان سال جاری باید دستگاه کمیته مرکزی ج.ک.ا.ش و ارگانهای محلی حزبی تجدید سازماندهی و بازسازی شود در مصوبه‌ای در این مورد آمده است: "باید به تقسیم دستگاه به حوزه‌های مدیریت پایان داد و آن بخشهایی را تقویت کرد که به مسائل اصلی سیاست داخلی و خارجی می‌پردازند." این مصوبه می‌افزاید شمار کل کارکنان دستگاه حزب باید بطور اساسی کاهش یابد.

بقیه در صفحه ۶

در روز جمعه ۲۹ ژوئیه، پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ج.ک.ا.ش) در مسکو برگزار شد. پلنوم در مصوبه‌ای همه سازمانهای حزبی را موظف کرد نیروی خود را بر تحقق عملی رهنمودهای نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب متمرکز کنند. محور این رهنمودها، ادامه دمکراتیزه کردن جامعه شوروی و تعمیق رفورم اقتصادی است.

کمیته مرکزی ج.ک.ا.ش با بررسی کارنامه تدابیری که تاکنون در جهت تحقق مصوبات کنفرانس سراسری ماه ژوئن اتخاذ شده است، گامهای بعدی را مشخص کرد. در مصوبات از جمله نکات زیر مقرر شده است:

اصلاح نظام سیاسی اتحاد شوروی: در اکتبر سال جاری طرح تغییر قانون اساسی و یک لایحه در باره انتخابات ارگانهای قدرت دولتی ارائه خواهد شد. در مارس ۱۹۸۹ طبق قانون جدید انتخابات برگزار خواهد شد. سپس در آوریل ۱۹۸۹ عالی‌ترین ارگان جدید قدرت - کنگره نمایندگان خلق - فراخوانده می‌شود.

مسئله ملیت‌ها: تا آغاز سال ۱۹۸۹، اسنادی در باره مناسبات میان ملیت‌ها در اتحاد شوروی برای ارائه به پلنوم تدوین خواهد شد.

اردن: کرانه غربی اشغالی متعلق به فلسطین است

کرسی پارلمان اردن، ۳۰ کرسی به نمایندگان کرانه غربی اختصاص داشت. آمریکا و اسرائیل همواره به این بهانه که کرانه غربی اشغالی، متعلق به اردن است، برای انعقاد موافقت‌نامه جداگانه صلح با ملک حسین کوشیده و با شرکت سازمان آزادیبخش فلسطین در مذاکرات مخالفت ورزیده‌اند. اینک ملک حسین تسلیم خواست مردم فلسطین، جهان عرب و مصوبات آخرین کنفرانس سران کشورهای عربی در الجزایر شده است. در این اجلاس که در ژوئن ۱۹۸۸ برگزار شد، حق انحصاری نمایندگی خلق بقیه در صفحه ۶

در هفته گذشته، جنبش ملی خلق فلسطین به یک پیروزی مهم سیاسی دست یافت. ملک حسین، پادشاه اردن، با انحلال پارلمان این کشور رسماً اعلام کرد اردن دیگر هیچ ادعایی بر کرانه غربی اشغالی رود اردن ندارد و این سرزمین را متعلق به کشور فلسطینی آینده می‌داند.

کرانه غربی رود اردن به انضمام بخش شرقی بیت المقدس، در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به اشغال صهیونیستها درآمد و از آن هنگام تا کنون، ارتش اسرائیل کنترل آن را در دست دارد، اما به لحاظ حقوقی، این منطقه تا هفته گذشته جزئی از اردن محسوب می‌شد. از ۶۰

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبرستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «کار»
مارك ۱۳	مارك ۱۱	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
» ۴۴	» ۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «اکثريت»
مارك ۳۰	مارك ۲۷	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
» ۵۸	» ۵۲	☐ يك ساله	☐ يك ساله
» ۱۱۵	» ۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.219

MONDAY, 8 AUG, 88

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید